

بررسی فرایند انقلاب اسلامی در شهر کرد

مریم رفیعی وردنجانی^۱

چکیده

شهر کرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری، از جمله مناطقی است که پایه پای مناطق دیگر کشور در مبارزه با حکومت پهلوی مشارکت داشت. پژوهش حاضر بر آن است تا نحوه گسترش باورها و اعتقادات اسلامی و انقلابی در شهر کرد و حوادث و رخدادهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دهد و به چگونگی همه گیر شدن گفتمان انقلاب اسلامی بپردازد. بنابراین ضرورت دارد به بررسی نقش گروه‌ها و اقشار مختلف شهر کرد، که در جریان مبارزات انقلابی حضور چشمگیر داشتند، پرداخته شود. در این خصوص پس از توصیف تحولات اداری و اجتماعی شهر در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اسناد و مصاحبه سیر حوادث و رخدادهای انقلاب در سال ۱۳۵۷ و نقش اقشار گوناگون در تحولات انقلابی در این شهر بررسی شده است. براساس یافته‌های این پژوهش، وجود افراد فعال مذهبی در شهر کرد همچون رحمان استکی، سید تقی جعفریان، محمد دانش و مسافرت تعدادی از روحانیون متعهد از قم و دیگر نقاط به این منطقه و سخنرانی‌های روشنگرانه آنان موجب آشنایی مردم شهر کرد با جریان کلی انقلاب اسلامی شد. در داخل شهر فعالیت‌های فرهنگی مدرسه امامیه و افراد مذهبی، فعالیت‌های گروه توحیدی محرم سرخ، در آموزش و تربیت نیروهای آگاه و ایجاد فضای انقلابی در شهر کرد مؤثر بودند. در ابراز مخالفت-ها و اعتراضات مردم شهر کرد در سال ۱۳۵۷ فعالیت فرهنگیان (دانش‌آموزان و معلمان) جالب توجه بوده است. مردم این شهر افزون بر نارضایتی منطقه‌ای، تحت تأثیر جریان و حوادث دیگر شهرها (مانند اصفهان) به سیل عظیم انقلاب اسلامی پیوستند.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، شهر کرد، رحمان استکی، معلمان، دانش‌آموزان.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

Investigating the process of Islamic revolution in Shahrekord

Maryam Rafiy Vardanjani¹

Abstract

Shahrekord, the capital of Chaharmahal and Bakhtiari province, is one of the regions that participated in the fight against the Pahlavi regime along with other regions of the country. The present research is based on investigation the spread of Islamic and revolutionary beliefs and views in Shahrekord and the incidents and events leading to the victory of the Islamic Revolution and how the discourse of the Islamic Revolution became widespread. Therefore, it is necessary to examine the role of groups and the different strata of Shahrekord, who had a significant presence during the revolutionary struggles, should be discussed. In this regard, after describing the administrative and social developments of the city in the two decades of 1960 and 1970, using the library method, documents and interviews, the course of events and proceedings of the revolution in 1979 and the role of various strata in the revolutionary developments in this city have been examined.

According to the findings of this research, the presence of religious activists in Shahrekord, such as Rahman Staki, Seyed Taghi Jafarian, Mohammad Danesh, and the travel of a number of committed clerics from Qom and other places to this region and their enlightening speeches made the people of Shahrekord familiar with the general flow of the Islamic Revolution. Inside the city, the cultural activities of the Imamiya School and religious people, the activities of the Red Muharram Tawheed group, were effective in educating and training the knowledgeable forces and creating a revolutionary atmosphere in Shahrekord. In expressing the objections and protests of the people of Shahrekord in 1979, the activities of educators (students and teachers) have been interesting. In addition to the regional dissatisfaction, the people of this city, under the influence of the flow and events of other cities (such as Isfahan), joined the great flood of the Islamic Revolution.

Keywords: Islamic revolution, Shahrekord, Rahman Staki, teachers, students.

1. Master's degree in Islamic Revolution History, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. Maryam.rafiy5@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، برخلاف سایر انقلاب‌ها با مشارکت اکثر قریب به اتفاق همه اقشار جامعه به وقوع پیوست. در این انقلاب، مردم همه مناطق و شهرهای کشور سهیم بودند. در مطالعات مربوط به انقلاب اسلامی، به تحولات شهرهای کوچک چندان توجه نشده درحالی که نقش آفرینی شهرها و آبادی‌های کوچک را نمی‌توان نادیده انگاشت. امام خمینی هم‌زمان با فراگیر شدن مبارزات مردم در بخشی از پیام خود در ۵ مرداد ۱۳۵۷ ه.ش ضمن تأکید بر اینکه تاریخ، روشنگر نسل‌های آینده است، از نویسندگان امین و متعهد خواسته با دقت به بررسی تاریخ نهضت اسلامی بپردازند و قیام‌ها و تظاهرات مردم شهرستان‌های مختلف کشور را با تاریخ و انگیزه آن به نگارش درآورند و اجازه ندهند نویسندگان مغرض و فرصت‌طلب با قلم‌های مسموم خود جنبه‌های مختلف نهضت را خلاف واقع جلوه دهند و نوشته‌هایی را تحت عنوان تاریخ در اختیار نسل‌های آینده بگذارند (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۴۳۴/۳).

درباره مبارزات انقلابی در استان چهارمحال و بختیاری تحقیقاتی پراکنده صورت گرفته است. از جمله کتاب تاریخ انقلاب اسلامی در چهارمحال و بختیاری که نویسنده در آن به بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی چهارمحال و بختیاری از ابتدا تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی پرداخته است. لازم به ذکر است دو مقاله نیز در این زمینه به چاپ رسیده است. در مقاله اول با عنوان «شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در استان چهارمحال و بختیاری» نویسنده به روش‌های انتقال عقاید انقلابی در شهرکرد پرداخته است و در مقاله دوم با عنوان «تحلیل و بررسی نقش مردم در استان چهارمحال و بختیاری» نویسنده به بررسی نقش کانون‌های مبارزاتی انقلابی استان چهارمحال و بختیاری با تأکید بر نقش روحانیون پرداخته است. در پژوهش حاضر نگارنده سعی دارد علاوه بر بررسی نحوه گسترش باورها و اعتقادات اسلامی و انقلابی در شهرکرد به بیان حوادث و رخداد‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی بپردازد.

موقعیت جغرافیایی شهر شهرکرد

مساحت استان چهارمحال و بختیاری ۱۶۴۱۱ کیلومتر مربع است و بین ۳۱ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی در جنوب غربی کشور واقع شده است. این استان در بخش مرکزی رشته کوه‌های داخلی و استان اصفهان قرار گرفته و از شمال و شرق با استان اصفهان، از شمال غرب با استان لرستان، در غرب با استان خوزستان و در جنوب با استان کهگیلویه و بویراحمد هم‌جوار است. چهارمحال و بختیاری که تقریباً ۷۶ درصد آن را کوه‌ها و تپه‌ها و ۲۴ درصد دیگر را دشت‌های آبرفتی و فلات‌ها تشکیل می‌دهند، تحت تأثیر بادهای و توده‌های هوای غربی ایران قرار دارد (عسگری سوادجانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴ و ۱۵).

میانگین سالانه دما از ۳/۵ درجه در ارتفاعات شمالی تا ۱۸/۵ درجه سانتی‌گراد در نقاط پست جنوبی متغیر است. میزان بارندگی حداقل ۲۶۲ و حداکثر ۵۵۰ میلی‌متر و میانگین آن در ارتفاعات زردکوه حدود ۱۶۰۰ میلی‌متر است (آخوندی، ۱۳۸۵: ۱). چهارمحال و بختیاری تا قبل از سال ۱۳۳۲ در قالب شهرستان شهرکرد و بختیاری از شهرستان‌های استان اصفهان (یکی از استان‌های ده‌گانه آن زمان) محسوب می‌شد. در همین سال با توجه به ویژگی‌های متمایز اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر منطقه فرمانداری مستقل «بختیاری و چهارمحال» در تقسیمات کشوری قرار گرفت. در سال ۱۳۳۷ این فرمانداری به فرمانداری کل و سپس در سال ۱۳۵۲ طبق مصوبه هیئت وزیران ارتقا یافت (عسگری سوادجانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۲).

شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری در ارتفاع ۲۰۶۶ متری از سطح دریاهای آزاد قرار دارد و در موقعیت ۵۱ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است (افلاکی سورشجانی، ۱۳۸۰: ۱۵۶). شهرکرد از طرف جنوب به شهرستان بروجن، از غرب به شهرستان فارسان و از شمال و شمال شرق به استان اصفهان منتهی می‌گردد (بنی‌طالبی، ۱۳۹۰: ۱۳). شهرکرد در ۱۰۵ کیلومتری جنوب غربی استان اصفهان واقع شده است. شهرکرد با مساحتی بالغ بر ۲۵ کیلومتر مربع در شمال شرقی استان قرار دارد. ارتفاع این شهر از

سطح دریا ۲۰۶۶ متر و وسعت آن ۵۱۷ هکتار و میزان بارندگی سالیانه آن به طور متوسط ۲۵۰ میلی‌متر است. این شهر با یک رشته کوه‌های نسبتاً مرتفع احاطه شده و در حقیقت جلگه‌ای است که به وسیله رودخانه و قنوات و چشمه‌های محلی مشروب می‌شود و از زمان‌های قدیم قابل سکونت بوده و می‌توان گفت ییلاق طوایف ایل‌نشین و مورد توجه پادشاهان و حکمرانان بوده است (نیکزاد امیرحسینی: ۱/۳۰۸). براساس گزارش سرشماری مرکز آمار استان در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرکرد بالغ بر ۱۹۰ هزار نفر است. این جمعیت در ۵۵ هزار خانوار زندگی می‌کنند. ترکیب جمعیتی این شهر ۹۴۷۸۹ نفر زن و ۹۵۶۵۲ نفر مرد می‌باشد (سایت amareiran مورخ ۱۴۰۱: ۲۶ آذر).

وضعیت اجتماعی شهرکرد در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰

شغل بیشتر مردم شهرکرد کشاورزی و دامپروری بوده و دشت جنوبی شهرکرد محل مناسبی جهت چرا و پرورش دام‌ها بوده است. کشت گندم و جو به صورت دیم معمول بوده است. شهرکرد یکی از بازارهای عمده خرید و فروش فرآورده‌های دامی و کشاورزی و صنایع دستی است. خانواده‌های شهرکردی به کار صنایع دستی بخصوص قالی‌بافی، کلاه‌مالی، گیوه‌دوزی و دیگر صنایع محلی اشتغال داشته‌اند (بنی‌طالبی، ۱۳۹۰: ۱۶۷). برای آشنایی با وضعیت اجتماعی شهرکرد به عنوان خاستگاه جغرافیایی، که فرایند انقلاب در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در آن به وقوع پیوسته است، این موضوع را در دو بخش نهادهای دولتی و غیردولتی دنبال می‌کنیم:

الف - تکاپوی نهادهای دولتی و مرتبط با دولت

اصلاحات ارضی در شهرکرد

در اصلاحات ارضی شاه می‌خواست قدرت خان و مالک را از بین ببرد. شهرکرد یک خان یا چند عمده‌مالک نداشت، بلکه مزارع و زمین‌های کشاورزی شهرکرد در تملک چندین خرده‌مالک بودند. از جمله خرده‌مالکان شهرکرد می‌توان به ابراهیم خان رئیسی، دکتر رحمت‌الله

میرحقانی، حاج کرم طهماسبی، حبیب‌الله خان قاسمی، عباس عبده، دکتر حبیب‌الله حسینی، محمد ریاحی، حسن صادقی، حسن صادقی، قربانعلی کوهی، حسن کوهی، علی مراد محمودیه، محمد رئیسی، حسین رئیسی، جواد رئیسی، علی مراد کبیری، امام قلی رئیسی و عباس کبیری اشاره کرد. قبل از اجرای اصلاحات ارضی مزارعی که از رودخانه یا قنات آب می‌خورد یک‌سوم را مالک و دو سوم دیگر را زارع برمی‌داشت؛ ولی باغ‌ها و اشجار همه در تملک خرده‌مالک بود. مزارعی که دیمی بودند، یک‌چهارم محصول را مالک و سه‌چهارم باقی‌مانده را زارع برمی‌داشت. البته رفتار خرده‌مالکان شهر کرد نیز با کشاورزان متفاوت بود (اسدالله چراغیان، ۱۳۹۸/۷/۲).

با آغاز اصلاحات ارضی در سراسر کشور، از طرف دولت کارشناسانی به شهر کرد آمدند و جلساتی در منازل نمایندگان یا خرده‌مالکان برگزار می‌شد. آنها اعلام کردند زمین‌هایی که در محدوده پنج کیلومتری شهر هستند و زمین‌های محدوده شهرها شامل اصلاحات ارضی نمی‌شوند اما مزارعی که در خارج از محدوده شهری هستند پس از آمارگیری شامل اصلاحات ارضی می‌شوند. پس از آماربرداری در صورت توافق بین مالک و زارع، اراضی بر مبنای بهره مالکانه یک‌سوم مالک و دو سوم زارع بین زارعین و مالکین تقسیم می‌شد. در غیر این صورت مبلغی را که توسط کارشناسان مشخص می‌شد رعیت موظف بود به مالک بپردازد و سند مالک ابطال و سند را به نام رعیت ثبت می‌کردند. مزارعی که در محدوده شهر بودند از جمله ملک اصلی دهکرد، مزارع تهلیجان، شوره بومی، خلیف‌آباد، خراج، حاجی‌آباد، بلاد خواجه، محب‌آباد شامل اصلاحات ارضی نشدند. مزارع دوتو، حسین‌آباد، قلنگان، دره شاه‌منظر، دره مجویی، دره چاهی، دره چشمه سفید، دره مهدی سفلی و علیا، دشت دی، حاج کھوا، رحمت‌آباد در دو مرحله شامل اصلاحات ارضی شدند. مدتی پس از آمارگیری برخی از خرده‌مالکان از جمله آقا رحیم امامی نیز حاضر شدند مزارعشان را به نسبت دو به یک تقسیم کنند. اما اکثریت خرده‌مالکان اعلام کردند که ما قصد فروش زمین‌هایمان را داریم. با توجه به نظر کارشناس‌هایی که از تهران آمده بودند قیمت زمین مشخص شد و طی دوازده سال مبلغ مشخص شده به خرده‌مالک پرداخت شد (مهندس رضا بنی طالبی، ۱۳۹۸/۴/۱۸).

تشکیل اداره ساواک در شهرکرد

تشکیل ساواک نتیجه اوضاع و شرایط حاکم بر کشور در اوایل دهه‌ی ۱۳۳۰ بود. در آن زمان محمدرضا شاه که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حکومت و تاج و تخت خود را باز یافته بود در صدد تثبیت و تحکیم پایه‌های قدرت خود برآمد. در سال‌های اولیه پس از کودتا فرمانداری نظامی تهران این وظیفه را بر عهده داشت؛ اما ناممکن بودن وضعیت حکومت نظامی، مبارزه با کمونیسم و لزوم وجود سازمانی برای مبارزه با مخالفان، رژیم و حامیان آن را به فکر ایجاد سازمانی گسترده‌تر انداخت. انگلیس و ایالات متحده آمریکا که منافع عمده‌ای در ایران و منطقه داشتند، حفظ امنیت و تثبیت حکومت دیکتاتوری و استبدادی محمدرضا شاه را ضروری می‌دانستند؛ لذا با همکاری رژیم به تشکیل و تقویت نیروهای پلیسی و امنیتی همت گماشتند. ساواک مهم‌ترین نهاد امنیتی اطلاعاتی بود که در سال ۱۳۳۵ در ایران تأسیس شد و پس از تصویب قانون آن در مجلس سنا و مجلس شورای ملی، گارد شاهنشاهی، ژاندارمری و نیز واحدهای اطلاعاتی و سری رکن دو ارتش، بازرسی شاهنشاهی و دفتر ویژه اطلاعات، وظیفه ایجاد و حفظ امنیت در قلمرو حکومت شاهنشاهی ایران را عهده‌دار شدند (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۲۶).

ساواک مهم‌ترین نهاد - امنیتی اطلاعاتی بود که در سال ۱۳۳۵ در ایران تشکیل شد. سازمان اطلاعات و امنیت فرمانداری کل چهارمحل و بختیاری در فروردین ۱۳۴۳ به ریاست سرهنگ ستاد حسین ترابی در شهرکرد تشکیل و شروع به کار نمود. در سال‌های بعد به ترتیب افرادی به نام سرگرد نصرت‌الله نگهبانی (۱۳۴۴-۱۳۴۵)، سرهنگ احمد فرزانه (۱۳۴۵-۱۳۴۷)، سرهنگ غلامحسین محبوبیان (۱۳۴۷-۱۳۵۳)، سرهنگ محمود سیاحتگر (۱۳۵۳-۱۳۵۵) ریاست ساواک را بر عهده داشته‌اند. در مقطع منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، سرگرد مجتبی کامکار رئیس ساواک استان بوده است. نامبرده از سال ۱۳۵۵ این سمت را به عهده داشته است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارمحل و بختیاری، ۱۳۸۸: پنج).

سازمان زنان شهرکرد

یکی از سازمان‌های دولتی که زیر نظر اشرف پهلوی ایجاد شد، سازمان زنان بود که در کنار وظایف آموزشی به زنان از قبیل آموزش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و هنری سعی داشت جامعه سنتی را با فرهنگ جدید غربی آشنا کند. این سازمان نقش تبلیغی برای رژیم داشت و حتی در مواردی به فرهنگ عمومی و سنتی مردم بی‌توجه بود. سازمان مذکور در شهرکرد نیز همانند سایر شهرهای ایران تشکیل شد.

بررسی اسناد نشان می‌دهد که بی‌بی عظیمه بختیار مأموریت داشته تا سازمان زنان را در شهرکرد و بروجن تشکیل دهد. در گزارش وی به ساواک چهارمحل و بختیاری، به‌صراحت به این موضوع اشاره شده است. «اینجانب پس از انتخاب به سمت مشاور امور اجتماعی فرمانداری کل چهارمحل و بختیاری در اوایل تیرماه ۱۳۴۵ خود را به فرماندار کل معرفی نموده» در ادامه همین سند اشاره گردیده است که بنا بر امر والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالی سازمان زنان و همچنین آقای انصاری طی چندین نامه دستور داده بودند که از بودجه شهرداری‌ها برای تشکیل سازمان زنان کمک بشود و یک باب ساختمان مناسب اجاره نمایند و برای ایاب و ذهاب خانم‌های عضو دهات منطقه ماشینی در اختیار سازمان قرار دهند و اینجانب عین تلگراف و نامه و دستورات وزیر کشور را به فرماندار دادم.

محتوای این سند به‌خوبی نشان می‌دهد که سازمان زنان در شهرکرد توسط بی‌بی عظیمه بختیار تشکیل و هزینه‌های آن از محل اعتبارات شهرداری تأمین می‌شده است. مدتی هم گیتی یداللهی ریاست سازمان زنان را عهده‌دار بوده است (فتاحی نافچی - ظفری ریگگی، ۱۳۹۹: ۳۸۵/۱-۳۸۴).

ساختمان سازمان زنان در خیابان شریعتی امروزی در کنار کلینیک آیت‌الله کاشانی در جایی که امروزه سازمان بهزیستی قرار گرفته بوده و در کنار کاخ جوانان قرار داشته است. اوج فعالیت این سازمان در سال ۱۳۵۴ بود، زمانی که فرح به شهرکرد آمد. مدتی هم ملیحه فروزنده رئیس این سازمان بود. جشن‌های این سازمان به‌صورت مختلط برگزار می‌شد (نسرین هادیان، ۱۳۹۸/۵/۶).

اگرچه ظاهراً یکی از اهداف این سازمان تشویق زنان به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی بود. ولی به نظر می‌رسد به این جنبه از اهداف سازمان، کمتر اهمیت داده شد و زنان با برنامه‌های اجتماعی و حضور در جامعه به صورت مورد نظر سازمان موافق نبودند، تنها علاقه آنها به آموزش فراگیری هنرهای جدید، باعث شده بود به صورت گسترده در این کلاس‌ها شرکت نمایند.

ب- تکاپوی نهادهای غیردولتی و مردمی

برگزاری مجلس ختم آیت‌الله بروجردی در شهرکرد

سال ۱۳۴۰ در تاریخ ایران، سالی پراهمیت است. این سال همچنان که سرآغاز یک دهه پرتحول در تاریخ ایران می‌باشد، سرآغاز فصل نوینی در تاریخ مبارزات روحانیت نیز می‌تواند ارزیابی شود. تنها ده روز از این سال می‌گذشت که آیت‌الله بروجردی مرجع بزرگ شیعیان جهان رحلت کرد. با انتشار خبر فوت آیت‌الله بروجردی مراسم ترحیمی برای ایشان در مسجد جامع برگزار شد و دسته عزاداری نیز به راه افتاد، به طوری که حزن و اندوه خاصی مخصوصاً در میان معمرین شهر وجود داشت (سید تقی جعفریان، ۱۳۹۸/۴/۲۰).

انجمن حجتیه شهرکرد

انجمن حجتیه یکی از گروه‌های مؤثر علیه رژیم پهلوی در چهارمحال و بختیاری به‌ویژه در بخش مبارزه فرهنگی محسوب می‌شود که هدف اصلی آن تبلیغ بر ضد بهائیت و ترویج عقاید اسلامی و شیعی بود.

در اوایل دهه ۱۳۵۰ تشکل‌های سیاسی و مذهبی خاصی در سطح استان فعال نبودند و تنها تشکل فعال انجمن حجتیه بود. آنها تحت عنوان انجمن فعالیت نمی‌کردند. هسته اولیه این انجمن سید تقی جعفریان، حیدر ملک‌پور، حیدر سجادی، خسرو نیک‌خواه، محمد دانش، رحمان استکی بودند. در ابتدا جلسات این انجمن (جلسات قرآن و نهج‌البلاغه) در منزل پدر شهید رحمان استکی و سید تقی جعفریان تشکیل می‌شد. از اهداف اصلی انجمن ترویج عقاید اسلامی و شیعی و مقابله

با عقاید بهائیت بود. از جمله اقدامات انجمن حجتیه در شهرکرد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. برگزاری جلسات تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه، ارائه جزوه در نقد بهائیت، شناسایی دانش‌آموزانی که زمینه مذهبی داشتند و دعوت آنها به جلسات خانگی که از جمله می‌توان به حبیب‌الله فاضلیان، احمدرضا بسیج، خسروی درانی، محمدعلی صادقی و... اشاره کرد؛ فرستادن افراد به‌عنوان نیروی نفوذی در جلسات بهائیت، تشکیل انجمن مددکاری ولیعصر برای ایتام شهرکرد، فرستادن افراد به مناطقی از استان که بهائیان سکنی داشتند و مسلمان کردن چند تن از آنها، برگزاری کلاس عقاید و تربیت مدرس جهت تبلیغ مذهبی در مدارس و بحث‌و‌جدل با بهائیان (فتاحی نافچی - ظفری ریگی، ۱۳۹۹: ۶۷/۲-۶۴).

براساس گزارش ساواک، تعدادی از اهالی شهرکرد و فارسان از جمله سید تقی جعفریان، مسعود یگانه، حیدر ملک‌پور و عده‌ای دیگر در شهرکرد، فارسان، گهرو جلسات قرآن برگزار می‌کنند و در ضمن برگزاری برنامه‌های خود فعالیت‌های ضد بهایی هم دنبال می‌کنند و به انجا مختلف از ادامه تبلیغات و اشاعه و گسترش افکار بهائیان در شهرها و روستاها جلوگیری می‌کنند. در پایان این گزارش ساواک اعلام می‌کند که این افراد به دنبال آن هستند تا بدون جلب توجه به فعالیت‌های ضد بهائی خود ادامه دهند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌محل و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

در حال، انجمن تا پیروزی انقلاب، به فعالیت‌های فرهنگی بر ضد فرقه بهائیت اشتغال داشت و تلاش می‌کرد تا به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان بپردازد. انجمن ضمن مبارزه با بهائیت توانست جمع زیادی از نیروهای جوان را به خود جذب کرده و آنان را با مسائل اعتقادی آشنا کند. این آشنایی و تربیت نیروی فکری جهت ایستادگی در برابر اندیشه‌های الحادی از جمله مارکسیسم نیز کارکرد داشته است (فتاحی نافچی - ظفری ریگی، ۱۳۹۹: ۸۳/۲). لازم به ذکر است که اعضای فعال انجمن حجتیه شهرکرد با انجمن حجتیه اصفهان ارتباط بسیار نزدیکی داشتند. آنها از اعضای انجمن حجتیه اصفهان از جمله علی‌اکبر پرورش دعوت می‌کردند تا برای مردم سخنرانی کنند، به طوری که در اسناد ساواک به سخنرانی آقای علی‌اکبر پرورش در

شهرکرد اشاره شده است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸:۲۶۵).

گروه توحیدی محرم سرخ

گروهی از جوانان شهرکردی در سال ۱۳۵۵ برای مبارزه با رژیم پهلوی یک تشکل سیاسی نظامی به وجود آوردند. مهندس غلامرضا بنی‌طالبی، شکرالله چراغیان، محمد خبازی، عبدالصمد رجیبیان، جهانگیر خبازی، علی پناهی، محمود موسویان، محمد خسروی، گروه توحیدی محرم سرخ تشکیل دادند. ریاست این گروه را مهندس غلامرضا بنی‌طالبی که کارمند کارخانه قند هفشجان بود، برعهده داشت. از این رو مکان تشکیل جلسات این گروه خانه سازمانی بود که کارخانه قند در اختیار مهندس بنی‌طالبی قرار داده بود و تمام هزینه این تشکل را نیز مهندس غلامرضا بنی‌طالبی متقبل می‌شد. یک اصل در این تشکل حاکم بود که سعی کنید در مورد همدیگر اطلاعات کمتری داشته باشید و مواردی را که دانستن آنها کمکی به شما نمی‌کند از ذهن خود دور سازید تا در صورتی که توسط ساواک دستگیر شدید، اطلاعات زیادی برای فاش کردن نداشته باشید. این گروه فعالیت‌های مخفیانه‌ای را علیه رژیم انجام می‌دادند (جهانگیر خبازی، ۱۳۹۸/۴/۱۷). از جمله اقدامات این گروه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. جمع‌آوری اسلحه، آموزش فنون رزمی (کاراته، تکواندو) و آمادگی جسمانی به اعضای گروه، برگزاری اردوهای کوهنوردی در کوه‌های اطراف شهرکرد، آموزش ساخت سه‌راهی، کوکتل مولوتف، تکثیر اعلامیه‌ها، نوارهای سخنرانی امام و دیگر مبارزان در شهرکرد؛ تبادل اطلاعات با دیگر گروه‌ها؛ توسعه تشکیلات (شکرالله چراغیان، ۱۳۹۸/۵/۹).

نقش و نحوه حضور روحانیون در شهرکرد

روحانیون یکی از قشرهای متنفذ دینی جامعه ایران هستند که از دیرباز در تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی ایران تأثیرات بسیار زیادی گذاشته‌اند. روحانیون بومی شهرکرد در دهه‌های

۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ عبارت‌اند از محمدعلی صفر نوراللهی، عطاءالله احمدی و مصطفی السید. حجت‌الاسلام محمدعلی صفر نوراللهی نماینده آیت‌الله خویی بودند و مبلغانی را که از دفتر آیت‌الله خویی در ماه رمضان، ماه محرم و صفر به شهرکرد فرستاده می‌شدند در روستاهای حومه شهرکرد می‌فرستاد و بر کار آنها نظارت داشتند. ساواک همواره رفتار ایشان را زیر نظر داشت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۲).

منزل سید عطا احمدی محل اسکان مبلغین و روحانیونی بود که از قم به استان می‌آمدند. ضمن آنکه خود ایشان نیز در تحریک مردم برای مبارزه با رژیم ستم‌شاهی، نقش مؤثر و مثبتی داشته و در برخی از راهپیمایی‌ها، پیشاپیش مردم حضور داشته است (پیشین: ۱۷۲). ایشان نماینده آیت‌الله گلپایگانی در شهرکرد بودند. مبلغانی را که دفتر آیت‌الله گلپایگانی در ماه رمضان، ماه محرم و صفر به شهرکرد اعزام می‌کرد به روستاهای حومه شهرکرد می‌فرستاد و بر کار آنها نظارت داشت (منصور قاسمی، ۱۳۹۸/۴/۱۲).

سید مصطفی السید اقامه جماعت مسجد خان (جامع) و بعضاً مسجد ابومحمد و پاسخ‌گویی به مراجعات مردم و رفع مشکلات آنان را عهده‌دار بود. ایشان نماز جمعه دوران شاه را برگزار می‌کرد. زعامت حوزه علمیه امامیه شهرکرد و انجام تعمیر اماکن مذهبی از محل درآمدهای رقبات وقفی و کمک‌های مردمی، از دیگر اقدامات شاخص ایشان است. مسئولان اداری از استاندار گرفته تا رؤسای ساواک و شهربانی و سایر ادارات از نفوذ کلام و محبوبیت اجتماعی آقا مصطفی حساب می‌بردند. از این‌رو در گرفتاری‌ها که معمولاً برای وعاظ و سایر دستگیرشدگان پیش می‌آمد، بعضاً دخالت و پادرمیانی ایشان به استخلاص آنان می‌انجامید. ایشان پشتوانه خوبی برای متدینین محسوب می‌گردید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، پیشین: ۱۷-۱۶).

تعداد روحانیون شهرکرد در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ بسیار محدود بود. وجود تعداد زیادی مسجد در شهرکرد، که در ماه‌های محرم و صفر خواهان حضور روحانی در آنها بودند، مانند مسجد ابوالفضل، مسجد نو، مسجد جامع، مسجد ابومحمد، مسجد اتابکان (امام صادق)، مسجد

صاحب‌الزمان و حسینیه اعظم باعث می‌شد تا افراد فعال مذهبی، روحانیون را از شهر قم و دیگر شهرها به شهرکرد دعوت کنند (منصور قاسمی: ۱۳۹۸/۴/۲) و از جمله روحانیونی که در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ به شهرکرد برای روشنگری و تبلیغ وارد شده‌اند می‌توان به حجج‌الاسلام علی صفدری هرسینی، آیت‌الله طباطبایی، حاج آقا فلسفی (حاج آقا هاشمی‌نژاد)، معظم‌زاده، حاج آقا امامی، سید محمدتقی بشارت دهاقانی، سید اصغر ناظم‌زاده، حاج آقا محمدعلی نصیری (حاج آقا ادیب)، حاج آقا کافی، شیخ احمد سالک (کاشانی)، معظمی، حاج آقا رضوانی، حسین (عباس) برات‌نژاد، نظری، حسین طباطبایی (حسین معتمدی)، سید صالح کمیلی، سید جلال طاهری، علی سعیدی، حاج آقا شریعتی و محمد جعفری اشاره کرد. همچنین برخی از طلاب نیز از دفتر مراجع تقلید آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله خویی به شهرکرد می‌آمدند (حبیب‌الله رحمتی، ۱۳/۵/۱۳۹۸).

روحانیون مدعوی که به شهرکرد می‌آمدند اکثر اوقات در مدرسه امامیه و گاهی نیز در منازل رحمان استکی، محمد دانش و حاج آقا عطا احمدی، چراغیان، عبدالهیان و حجازی اسکان می‌گزیدند. آنها در آخر شب جلسات خصوصی با نیروهای مذهبی و انقلابی شهر داشتند و اخبار و مطالبی را که نتوانسته بودند به صورت صریح و روشن در مساجد بیان کنند با نیروهای مذهبی و انقلابی شهر در میان می‌گذاشتند و آنها را در چگونه مبارزه کردن با رژیم یاری می‌رساندند. آنان گاهی یک دهه یا چند روز در شهرکرد حضور داشته‌اند. به علت حضور کوتاه‌مدتشان در شهر امکان دستگیری آنها توسط ساواک کمتر بود (لطف‌الله داوودی، ۱۳/۴/۱۳۹۸).

البته لازم به ذکر است که حضور روحانیون مدعو در شهرکرد بر روند تحریک و تشویق مردم تأثیر بسیار داشت. آنها در سخنرانی‌های خود از ظلم و ستم‌های رژیم در دیگر شهرها سخن می‌گفتند و این امر آگاهی مردم را در پی داشت. حضور روحانیون مدعو در شهرکرد بر روند انقلابی شدن مردم تأثیر بسیار داشت. مهم‌ترین نقش آنها عبارت بود از: آگاه کردن مردم از مظالم و مفسد خاندان پهلوی؛ آگاه کردن مردم از حرکت‌های مردمی در سایر شهرهای کشور در

مخالفت با رژیم؛ اطمینان بخشیدن به مردم از متزلزل شدن رژیم پهلوی (مریم رفیعی وردنجانی، ۱۳۹۴: ۸۱).

۲. تحولات انقلاب در شهرکرد

تأثیر اندیشه‌های دکتر شریعتی در ایجاد روحیه انقلابی

رویدادهای تاریخ معاصر ایران طی دو دهه پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ را نمی‌توان به درستی تحلیل کرد مگر اینکه از شریعتی به عنوان یک اندیشمند برجسته سیاسی - مذهبی یاد نمود. شریعتی از سال ۱۳۴۴ در حسینیه ارشاد که با همت گروهی خیراندیش ساخته شده بود، یک سلسله سخنرانی پیرامون اسلام‌شناسی، جامعه‌شناسی و تاریخ اسلام ایراد کرد. سخنرانی‌های وی با استقبال وسیع طبقه جوان و دانشجویان روبه‌رو شد. کتاب‌ها و نوشته‌های او با تیراژی بی‌سابقه انتشار یافت و نوار و گفته‌هایش نیز در سراسر ایران پخش شد. مرداد سال ۱۳۵۲ ساواک از نفوذ کلام و افکار انقلابی شریعتی در میان نسل جوان نگران شده بود و حسینیه ارشاد، آن‌قدر شهرت یافت که علاوه بر دانشجویان، عده زیادی از روشنفکران جوان را نیز به خود جذب کرد؛ به گونه‌ای که در تابستان ۱۳۵۱ بیش از شش هزار دانشجو برای حضور در درس‌های شریعتی ثبت‌نام کرده بودند (نجاتی، ۱۳۹۰: ۴۵۹).

علی‌رغم مخالفت رژیم پهلوی با اندیشه‌های دکتر علی شریعتی و ممنوعیت مطالعه آثار وی، کتاب‌ها و نوارهای سخنرانی‌هایش در میان نیروهای مذهبی و انقلابی دست‌به‌دست می‌شد. سخنان شریعتی پاسخی به نیازهای آن زمان بود. اندیشه‌های وی اندیشه‌های پویایی بود که حرکت را به دنبال داشت. سخنرانی‌های او محرک نیروهای مذهبی و انقلابی بود و در آنها روحیه انقلابیگری و شوق شهادت ایجاد می‌کرد. آثار او در کنار دیگر کتاب‌ها در نمایشگاه‌هایی که نیروهای مذهبی و انقلابی برپا می‌کردند، قرار داشت و یکی از پرفروش‌ترین محصولات فرهنگی عرضه‌شده در نمایشگاه‌ها بود. مطالعه آثار دکتر علی شریعتی از جمله کتاب حج، شهادت، علی ابرمرد تاریخ به افراد فعال مذهبی و انقلابی توصیفی از یک حکومت اسلامی را

ارائه می‌داد و حس تنفر از رژیم را در آنها به وجود می‌آورد و چنان انگیزه‌ای برای مبارزه در آنها ایجاد می‌کرد که حاضر بودند برای مبارزه با حکومت پهلوی از هر روشی بهره گیرند (اشرف فضل، ۱۳۹۸/۵/۳۰). گزارش ساواک به پخش و توزیع کتاب‌های مضره و تحریک‌آمیز از جمله آثار دکتر علی شریعتی مزینانی، مهندس بازرگان و امام خمینی توسط صاحبان کتاب‌فروشی‌ها اشاره دارد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد، ساواک روزشمار چهارم‌محل و بختیاری، ۱۳۸۸: ۹۴).

درگذشت مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی

درگذشت ناگهانی حاج آقا مصطفی پسر بزرگ امام خمینی در آبان ۱۳۵۶ موج تازه‌ای از اعتراض و تنفر را نسبت به رژیم پهلوی در اذهان عمومی ایجاد کرد. حاج آقا مصطفی روحانی مبارزی بود که از آغاز مبارزه در کنار پدر بود. با فوت مشکوک وی، مجالس ترحیم در بسیاری از شهرهای ایران برگزار شد و بار دیگر یاد و خاطره امام خمینی جان تازه‌ای به جریان مبارزه علیه طاغوت زمان داد.

فوت مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی همه را ناراحت کرده بود. در شهرکرد نیز مراسم یادبودی برای ایشان در مدرسه امامیه، مسجد صاحب‌الزمان و مسجد ابوالفضل برگزار شد. در جلسه‌ای یادبودی که در مدرسه امامیه برگزار شد بیشتر نیروهای مذهبی و انقلابی شهر و طلاب جوان حضور داشتند. آنان ضمن قرائت قرآن برای آن مرحوم، یکی از طلبه‌ها هم مطالبی پیرامون اقدامات حکومت پهلوی ایراد کرد. در مسجد صاحب‌الزمان نیز مراسم یادبودی برای حاج آقا مصطفی خمینی با حضور روحانی‌ای با نام رضوانی برگزار شد. وی پس از نماز مغرب و عشا سخنرانی کرد و در آن سخنرانی از روح‌الله الموسوی‌الخمینی نام برد و مطالبی را علیه رژیم مطرح کرد. رحمان استکی شبانه این روحانی را از شهر خارج کرد (حبیب‌الله رحمتی، ۱۳۹۴/۵/۱۴).

فعالیت‌های انقلابیون در نیمه اول سال ۱۳۵۷

در ماه‌های اول سال ۱۳۵۷ اگرچه حرکاتی علنی و آشکار علیه حکومت پهلوی در شهرکرد صورت نگرفت، ولی تشکیل جلسات و اجتماعات مختلف، دعوت از سخنرانان و پخش اعلامیه و شعارنویسی در شهرکرد توسط انجام شد. محتوی این اعلامیه‌ها بیشتر در مورد حوادثی است که در آن روزها در شهرهای مختلف ایران در حال رخ دادن بوده است و برخی از معلمان و طلاب در جمع‌هایی که حضور پیدا می‌کردند از وقایع و حوادث اخیر صحبت‌هایی به میان می‌آوردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمجال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۴۱، ۲۴۹، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۵۱، ۳۱۵).

لازم به ذکر است اعلامیه‌ها از طریق افرادی که به دیگر شهرها از جمله قم، اصفهان، شیراز مسافرت کرده و نسخه‌ای از اعلامیه را به دست آورده و در شهرکرد تکثیر می‌کردند، یا از طریق طلاب و روحانیونی که یا دانشجویانی که وارد شهرکرد می‌شدند در اختیار نیروهای مذهبی و انقلابی قرار می‌گرفت. نحوه تکثیر اعلامیه به روش‌هایی از جمله با دستگاه‌های پلی‌کپی برخی ادارات و مدارس به صورت مخفیانه انجام می‌شد که این کار برای کارکنان آن بسیار خطرناک بود یا به روش‌های دستی انجام می‌شد (شکرالله چراغیان، ۱۳۹۸/۵/۹).

شعارنویسی یکی دیگر از فعالیت‌هایی بود که توسط نیروهای مذهبی و انقلابی مخالف رژیم انجام می‌گرفت. به طوری که آنها برخی دیوارهای ورودی شهر را برای نوشتن اخبار و آگاه ساختن مردم از حوادثی که در کشور در حال جریان است انتخاب می‌کردند. آنها با اسپری رنگ بر روی دیوار به شعارنویسی می‌پرداختند. در خرداد ماه در برخی از دبیرستان‌ها از جمله دبیرستان شاپور جمله «دروود بر خمینی» بر دیوار این مدرسه نوشته شده بود که معاون و مدیر مدرسه را واداشت تا فوراً آن را از بین ببرند. همچنین در تابستان سال ۱۳۵۷ نیز جسته‌گریخته بر روی دیوارهای شهر شعارها یا اسم یا تصویر کسانی که توسط رژیم به شهادت رسیده بودند، نوشته شده بود. از جمله تصویر شریف واقفی بر روی برخی دیوارهای شهر دیده می‌شد که ساواک فوراً نسبت به امحای آن اقدام کرد. یکی از اقدامات اساسی در نیمه اول سال ۱۳۵۷

توزیع اعلامیه و شعارنویسی بود که توسط جوانان و نوجوانان شهرکردی به شیوه‌های مختلف از جمله انداختن اعلامیه در منازل صورت می‌گرفت (نورالله حیدریان، ۱۳۹۸/۴/۲۴).

ساواک در خرداد ماه اذعان می‌کند که به دنبال تظاهرات اخیر شهرهای ایران تعداد زیادی از زنان و دختران بی‌حجاب شهرکردی چادری شده و برنامه‌های مذهبی توسعه گرفته و در نتیجه گرایش افراد نسبت به مسائل مذهبی و شرکت در برنامه‌های دینی روز به روز بیشتر شده و مردم نسبت به دستگاه‌های اداری و پیشرفت‌های اخیر بدبین شده‌اند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌مجال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۴۲). فعالیت‌ها و حوادث مربوط به مردادماه، بیش از هر چیز در پیوند با ماه مبارک رمضان است. حجت‌الاسلام احمد سالک (با نام مستعار احمد کاشانی)، محمدتقی بشارت و حجت‌الاسلام ابراهیم فلسفی (با نام مستعار حاج هاشمی) کسانی بودند که در ماه رمضان سال ۱۳۵۷ در مساجد شهرکرد به دمیدن روح انقلابی و تقویت روحیه انقلابی‌گری در مردم پرداختند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روز شمار چهارم‌مجال و بختیاری، پیشین: ص بیست و هفت) و بالاخره در شهریور ماه اولین اعتراض علنی و آشکار مردم شهرکرد در روز عید فطر پس از برگزاری نماز عید صورت گرفت. نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ نیز در حسینیه اعظم شهرکرد اقامه شد. حجت‌الاسلام محمدعلی نصیری نماز عید فطر را در شهرکرد برپا کرد و در خطبه‌های نماز سخنرانی بسیار تند و آتشینی ایراد کرد که منجر به این شد که نمازگزاران شعار درود بر خمینی و شعار علیه حکومت شعار دهند (محمد دانش: ۱۳۹۸/۴/۲۵). بنا بر گزارش ساواک در این روز دویست نفر در نماز حضور داشتند که در حسینیه اعظم مردم درود بر خمینی می‌گفتند و شعار دادن جمعیت تا درب ورودی حسینیه اعظم بیشتر ادامه نداشت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌مجال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۰۰. رجوع به ضمیمه شماره ۲).

برپایی نمایشگاه‌های کتاب و عکس

در فضای باز سیاسی ایجادشده در سال ۱۳۵۷ نیروهای مذهبی و انقلابی در سراسر کشور به این نتیجه رسیده بودند اگر بخواهند به صورت بنیادین حرکت کارساز و مؤثر در جهت مبارزه با حکومت انجام دهند باید رشد فکری مردم ارتقا پیدا کند. کتاب نقش مؤثری در تعمیق و تعمیم بینش انقلابی و اسلامی مردم داشته و دارد. از این رو نمایشگاه‌های کتابی در سراسر کشور با هدف افزایش رشد فکری مردم برپا شد.

در شهرکرد نیز نمایشگاه‌ها در سال ۱۳۵۷ دو الی سه نمایشگاه کتاب و عکس در مدرسه محمد-رضا شاه پهلوی، حسینیه اعظم شهرکرد و مسجد صاحب‌الزمان برگزار شد. دانشجویان دانشگاه اصفهان از جمله اسفندیار جعفری، ابوالقاسم بزرگی، مصطفی فولادی، اسفندیار کاوه، علمدار ابراهیمی و مصطفی رجایی به پیشنهاد نیروهای انقلابی شهر (رحمان استکی، رحمان رضوی، لطف‌الله داوودی، محمد دانش، حسین نیکخو، علی پناهی) کتاب‌های نمایشگاه‌ها را فراهم کردند. آنها کتاب‌ها را از تهران و قم خریداری می‌کردند (اسفندیار جعفری: ۱۳۹۸/۵/۲۱). نیروهای فرهنگی و دانش‌آموزان در چینش کتاب‌ها با افراد فعال در نمایشگاه کتاب همکاری می‌کردند. در همین نمایشگاه‌ها کتاب‌های تاریخی، رمان، ادبی (دیوان حافظ و سعدی و شاهنامه) و در کنار آنها نیز کتاب‌های ممنوعه (رساله امام خمینی، ولایت‌فقیه، کتاب‌های دکتر علی شریعتی، آثار بازرگان، شهید مطهری، دکتر آرام، جلال‌الدین فارسی، فریاد خلق، آثار اقتصادی بنی‌صدر، مانیفست مجاهدین، سرگذشت رضایی‌ها، کیش شخصیت بنی‌صدر، ماهی سیاه کوچولو) ارائه می‌شد. مسئولان نمایشگاه‌ها کتاب‌های ممنوعه را در بین کتاب‌های خریداری شده می‌گذاشتند (اسفندیار کاوه: ۱۳۹۸/۵/۲۱). در مجموع می‌توان گفت نمایشگاه‌های کتاب، یکی از مکان‌های تبادل اندیشه و گسترش افکار و عقاید انقلابی در بین اقشار مختلف مردم بوده‌اند و در تعمیق و تعمیم بینش انقلابی و اسلامی مردم داشته و دارند.

بازگشایی مدارس و آغاز تظاهرات

در نیمه‌ی اول مهرماه تحرکات انقلابی در شهرکرد معطوف به استمرار آگاه‌سازی عمومی در قالب پخش اعلامیه و شعارنویسی و مستعدسازی مدارس برای شروع تظاهرات و اعتصابات بوده است. درست از نیمه مهرماه در چند دبیرستان شهرکرد پس از توزیع اعلامیه‌های دست‌نویس مبنی بر همدردی با دانش‌آموزان و معلمان کرمانشاه، قصرشیرین، بوکان، کاشان و زنجان (که در جریان اعتراضات متحمل صدمات گردیده و شماری شهید برجای گذاشته بود)، دانش‌آموزان و دبیران از حضور در کلاس‌ها خودداری کردند و تظاهرات با اجتماع دانش‌آموزان و شعار دادن به نفع امام خمینی و سپس حضور در خیابان‌ها و شکستن شیشه سینماها استمرار یافت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۲۸، ۳۴۴، ۳۴۳).

بازگشایی مدارس به‌طور ناخودآگاه کانون جدیدی برای تغذیه انسانی تظاهرات فراهم ساخت، به‌ویژه اینکه نسل نوجوان و جوان با اشتیاقی روزافزون برای رقم خوردن ورق سرنوشت می‌کوشیدند. دانش‌آموزان و معلمان نخستین گروهی بودند که ابتدا با آغاز تظاهرات و سپس با اعلام درخواست‌های رفاهی خود و سپس افزودن اعتراض‌های اجتماعی و سیاسی دست به اعتصاب و تحصن زده و از رفتن به کلاس خودداری کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۵۰۷، ۳۴۲). پس از آن موج اعتراض به دیگر ادارات دولتی از جمله اداره دادگستری نیز کشیده شده و کم‌کم مردم نیز ترس و وحشت‌شان از ساواک ریخت، به‌طوری‌که در روزهای آخر این ماه جسارت یافته و همراه دانش‌آموزان وارد تظاهرات شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۴۲، ضمیمه شماره ۴).

گسترش روزافزون اعتراضات و تظاهرات

تظاهرات دانش‌آموزان و معلمان در آبان ماه به یک امر عادی و روزانه تبدیل شده بود. تجمعات و تظاهرات دانش‌آموزان و معلمان در طول آبان ماه با سازمان‌یابی و شدت بیشتری استمرار پیدا می‌کرد و گاهی این تجمعات و تظاهرات به خشونت کشیده شد و پلیس با پرتاب گاز اشک‌آور

و با شلیک هوایی با تظاهرکنندگان مقابله می‌کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌محال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۷۸. ضمیمه شماره ۵) و حتی تظاهرات و تجمعات دانش‌آموزان و معلمان، نیروهای انتظامی شهر را به ستوه و عجز آورده و منجر به این شد که شورای تأمین استان جلسه‌ای تشکیل داده و تقاضای اعزام یک گروهان نیروی کمکی از مرکز توپخانه اصفهان نماید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌محال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۶۵. ضمیمه شماره ۶). شدت تظاهرات در این ماه چنان بود که بازار نیز به حالت نیمه‌تعطیل درآمد. یکی از مهم‌ترین اتفاقات در این ماه صدور اطلاعیه توسط حجت‌الاسلام عطاءالله احمدی از روحانیون مذهبی شهر و دعوت ایشان از تمام طبقات برای شرکت در راهپیمایی روز ۱۶ آبان و حمایت و پشتیبانی از شهدای ۱۳ آبان است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌محال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۹۳. ضمیمه شماره ۷). از این زمان مردم عادی که کم‌وبیش با دانش‌آموزان و دانشجویان و معلمان همراه شده بودند، پس از این اطلاعیه به‌صورت گسترده‌تر در تظاهرات شرکت کردند. دانش‌آموزان در اعتراض به حادثه ۱۳ آبان در تهران به منازل نیروهای نظامی حمله کرده و دانشجویان نیز عکس شاهنشاه و شهبانو را شکسته و به آتش می‌کشند و حتی برخی‌شان اعتصاب غذا می‌کنند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌محال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۴۰۵. ضمیمه شماره ۸). در روزهای پایانی این ماه دانش‌آموزان با حمله به مدارس که هنوز باز بودند و فعالیت آموزشی آنها برقرار بود سعی کردند آنها را نیز با خود همراه سازند و مدارس را به تعطیلی بکشانند و نهایتاً معلمان و کارمندان دادگستری تصمیم به اعتصاب گرفتند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌محال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۴۱۱. ضمیمه شماره ۹ و ۱۰).

تظاهرات مهر و آبان شهرکرد از بُعد زمانی و کمی و کیفی به نتایج قابل توجهی دست یافت؛ به این معنی که فاصله‌ی تظاهرات‌ها به تدریج کاهش یافته و به‌صورت حلقه‌های زنجیروار درآمده بودند، به‌طوری‌که مخالفان از هر سن و قشری بر تعطیلی بازار و مدرسه و برگزاری راهپیمایی

عادت کردند. حتی اگر تظاهرات بزرگ و گسترده هم اعلام نمی‌شد، تجمعات جوانان در نقاط حساس و کلیدی شهر صورت می‌گرفت که معمولاً با زدوخوردهای پراکنده همراه بود.

تظاهرات تاسوعا و عاشورا سال ۱۳۵۷

مبارزه با رژیم پهلوی با فرا رسیدن تاسوعا و عاشورای حسینی به اوج خود رسید. ماه محرم، فرصت خوبی برای گسترش موج حرکات انقلابی و تعیین تکلیف نهایی رژیم بود. از این رو امام خمینی در آستانه این ماه در پیام تاریخی اول آذر ۱۳۵۷، حلول ماه محرم را سرآغاز پیروزی بر جنود ابلیس و محو کلمه باطل برشمرد و عموم ملت را برای ادامه و گسترش مخالفت با شاه و زیر کشیدن او، به قیامی یکپارچه و با تمام قوا دعوت نمود.

مردم در روز ۱۹ آذر ماه مصادف با تاسوعای حسینی همراه با دسته‌های مختلف عزاداری به خیابان‌ها آمده و درحالی که پلاکاردها و پارچه‌نوشته‌هایی که عکس امام خمینی بر روی آن بود، را در دست داشتند در خیابان‌ها به تظاهرات و عزاداری پرداخته و راهپیمایی باشکوهی را در شهر کرد برگزار و نهایتاً در مسجد صاحب‌الزمان تجمع کردند. در این روز شعارها و نوحه‌های مردم و نوحه‌خوان‌ها رنگ و بوی سیاسی مذهبی به خود گرفته بود (نورالله حیدریان، ۱۳۹۸/۴/۲۴). در روز عاشورا تظاهرکنندگان از چهارراه بازار به خیابان ملت و به سمت میدان مجسمه و سپس به سمت شمال شهر و خیابان حافظ رفتند. سپس از جلوی بیمارستان شهر کرد (بلوار امین آزاد) به سمت چهارراه کارخانه برق و از آنجا به سمت چهارراه فردوسی و نهایتاً به چهار راه بازار (مسیر تظاهرات) رسیدند. در روز عاشورا در شهر کرد حجت‌الاسلام محمدتقی بشارت دهاقانی نماز ظهر روز عاشورا را اقامه کرده و سخنرانی آتشینی در این روز ایراد کرد. با وجود اینکه نیروهای نظامی کمکی از هنگ اصفهان به کمک نیروهای ژاندارمری و شهربانی شهر کرد آمده بودند ولی درگیری بین مردم و نیروهای نظامی به وجود نیامد. براساس گزارش ساواک در روز

عاشورای حسینی حدود شش هزار نفر از اهالی شهرکرد ضمن راهپیمایی مبادرت به سر دادن شعارهای ضدملی و میهنی نمودند (سید باقر حسینی، ۵۵۱۳۹۸).

پایین کشیدن مجسمه شاه در ۲۷ دی ماه

ده روز بعد از تشکیل دولت بختیار، محمدرضا شاه از ایران رفت (۲۶ دی ۱۳۵۷). فرار وی شور و شعف مردم مسلمان ایران را بیشتر کرد. با انتشار خبر خروج شاه از ایران، مردم شهرکرد نیز به خیابان‌ها ریخته و فریاد الله اکبر سردادند. آنان عکس شاه را پاره می‌کردند و عکس‌های امام را به اهتزاز درآوردند. این خوشحالی با اعلام خبر بازگشت امام خمینی به ایران دوچندان شد. (اسفندیار جعفری، ۱۳۹۸/۵/۲۱)

در روز ۲۷ دی ماه ۱۳۵۷ آیت‌الله طاهری که از قبل دعوت شده بود تا در سالن تختی شهرکرد برای مردم سخنرانی کند، در مراسم حاضر نشد. لطف‌الله داوودی مقاله‌ای را قرائت کرد سپس پدر غلامحسین اختیاری سخنرانی ایراد نمود که در آن سخنرانی از مجاهدت‌های نیروهای انقلابی و از اقدامات ظالمانه شاه سخن گفت. با به پایان رسیدن سخنرانی، تظاهرات از سالن تختی شهرکرد آغاز شد. حرکت تظاهرکنندگان از خیابان امین آزاد شروع شد. ناگهان چند نفری در میان جمعیت گفتند ما دیروز در بروجن مجسمه شاه را پایین کشیده‌ایم، شما چرا این کار را نمی‌کنید. ناگهان در بین جمعیت همهمه ایجاد شد که برویم و مجسمه را پایین بکشیم (لطف‌الله داوودی، ۱۳۹۸/۴/۱۳).

جمعیت به سمت میدان مجسمه (میدان انقلاب فعلی شهرکرد) حرکت کردند. در مسیر مردم آن‌چنان با عجله و شتاب حرکت می‌کردند که کسی نمی‌توانست جلوی آنها را بگیرد. جمعیت به میدان مجسمه رسیده بود اما کسی نمی‌دانست که چگونه مجسمه را باید پایین آورد. سردسته‌های تظاهرکنندگان در این فکر بودند که چگونه مجسمه را پایین بیاورند. ناگهان تریلی هیجده چرخه از سمت فرخ‌شهر وارد میدان شد. سردسته‌های تظاهرکنندگان به پیش راننده تریلی رفتند و از وی خواستند تا این مجسمه را پایین بکشد. او هم در ابتدا از انجام چنین کاری خودداری

می‌کرد تا اینکه او را راضی کردند. راننده از آنها خواست بر روی پلاک‌های ماشین گل بمالند تا ماشین شناسایی نشود. حبیب‌الله فاضلیان و لطف‌الله داوودی بر روی پلاک‌های تریلی گل مالیدند. البته لازم به ذکر است که نیروهای نظامی شهر هم در خیابان حافظ به سمت استانداری و سمت خیابان دانشسرا حضور داشتند. اما جمعیت بسیار زیادی در آنجا حضور داشتند که نیروهای نظامی نمی‌توانستند هیچ‌گونه اقدامی انجام دهند. در اطراف مجسمه چراغ‌هایی برقی بود که شبانه-روز آن چراغ‌ها روشن بودند. سید صادق حسینی، خدابخش بنی‌طالبی و روزبه خسروی از کارمندان اداره برق بر روی ستون رفتند و سیم‌های برق را قطع کردند. جلوی تریلی به سمت فلکه آبی قرار گرفت. سیم بوکسلی به سرِ اعلیحضرت بسته شد. تریلی به سمت جلو حرکت کرد. ناگهان سیم بوکسلی پاره شد (محمدتقی کوهی فائق، ۱۳۹۸/۴/۲۶).

این بار سیم بوکسلی را هم به سرِ مجسمه شاه و هم به سرِ اسب محکم بستند و با حرکت تریلی مجسمه از ساق پا شکسته شد. چون پاهای اسب با پیچ داخل ستون محکم شده بودند، با حرکت تریلی مجسمه از ساق پاهای اسب شکسته شد. مجسمه را به پایین انداختند. مردم که از خوشحالی به وجد آمده و در حال کف زدن بودند مدام تکرار می‌کردند پول نفت‌مونه، بنداز و بشکن. پول نفت‌مونه، بنداز و بشکن. سپس با کلنگ به جان مجسمه افتادند و مجسمه را تکه‌تکه کردند و هر کس تکه‌ای از آن را برداشت (احمد جهان‌پور، ۱۳۹۸/۵/۱۵).

تشکیل کمیته حفاظت از شهر

امام خمینی بعد از ظهر ۲۶ دی‌ماه در جمع خبرنگاران ضمن تبریک گفتن به ملت ایران به مناسبت رفتن شاه، هشدار دادند که خروج شاه، پیروزی نیست، ولی طلیعه خلع سلطه اجانب است. امام از ملت خواستند که خودشان مواظب نظم مملکت باشند و جوانان غیور، کنترل شهرستان‌ها و دیه‌ها و قواها را به دست گیرند. از این‌رو کمیته‌هایی خودجوش در شهر کرد همانند دیگر شهرهای ایران به وجود آمدند. در ابتدا سه کمیته در سه ورودی شهر کرد از جمله در ورودی دروازه سامان، ورودی دروازه فارسان و ورودی دروازه اصفهان تشکیل شد. افرادی که در این ورودی‌ها

مستقر شده بودند ورود و خروج‌های داخل شهر را کنترل می‌کردند و امنیت شهر را تحت نظر داشتند و در مساجد محلات شهر نیز پایگاه‌های ایجاد شد که هر محله را تحت نظر داشتند. اکثر جوان‌های انقلابی به‌صورت داوطلبانه و شیفی حفاظت از شهر را برعهده داشتند و حتی برخی از افراد با وسایل نقلیه خود به‌صورت رایگان شبانه در شهر گشت می‌زدند و از شهر حفاظت می‌کردند (علی کریمیان: ۱۳۹۸/۵/۶).

۱۲ بهمن ماه و ورود امام خمینی به ایران

امام خمینی در پیامی به مناسبت اربعین، خطاب به ملت ایران وعده داده بود که به‌زودی به ملت ایران خواهد پیوست. ایشان همچنین از اعضای شورای سلطنت خواست تا از شورا کناره گیرند و با ملت مخالفت نکنند. همچنین به نیروهای مسلح توصیه نمود که در حفظ نظم بکوشند. در روز هفتم بهمن، در سراسر ایران راهپیمایی عظیمی به راه افتاد و راهپیمایان خواستار بازگشت امام خمینی به ایران شدند.

در شب یازدهم بهمن از طریق رسانه‌ها اعلام شد که فردا آیت‌الله خمینی به ایران باز خواهد گشت و مراسم ورود ایشان به ایران از تلویزیون پخش خواهد شد. در ۱۲ بهمن رهبر انقلاب با شکوه فراوان و در میان استقبال بی‌نظیر مردم وارد ایران شدند. اکثر مردم که در آن زمان تلویزیون نداشتند با رفتن با خانه اقوام، ورود امام را از تلویزیون تماشا کرده‌اند. (اشرف فضلی: ۱۳۹۸/۵/۳۰) تلویزیون آمدن امام را تا آنجایی که ایشان از پله‌های هواپیما پایین می‌آید، نشان داد و بعد تصویر قطع شد. با قطع شدن برنامه مردم به خیابان‌ها ریخته و در مسجد نو تجمع کردند و سرود خمینی ای امام روی تکه کاغذهایی توسط حبیب‌الله فاضلیان و حبیب نیکخو توزیع می‌شد و در اختیار همگان قرار می‌گرفت و همه با هم سرود «خمینی ای امام» را می‌خواندند. در این روز مردم با پخش نقل و شیرینی و روشن کردن چراغ اتومبیل‌های خود و با زدن بوق شادی و نشاط خود را اعلام می‌کردند (رضوان رضوی: ۱۳۹۸/۵/۱۹).

۲۲ بهمن و پیروزی انقلاب

در سایه همبستگی کم‌نظیر مردمی، امام خمینی در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با استقبال پرشور مردم وارد ایران شدند. پس از آن ملت مبارزه با دولت غیرقانونی بختیار را ادامه داد. مردم با کمک ارتش‌یانی که به انقلاب پیوسته بودند مراکز نظامی را در تهران و شهرهای بزرگ به تصرف خود درآوردند. رادیو و تلویزیون در اختیار مردم انقلابی قرار گرفت تا اینکه در روز ۲۲ بهمن نظام پهلوی واژگون شد و مبارزه ملت ایران به رهبری امام خمینی به ثمر نشست.

مردم شهرکرد در روز بیست و دوم بهمن ماه همانند مردم دیگر شهرهای ایران از اینکه تمام زحمات و تلاش‌هایشان به ثمر نشسته و انقلاب پیروز شده بسیار خوشحال و شاد بودند و با پخش نقل و شیرینی و روشن کردن چراغ‌های ماشین‌های خود در شهر به شادی پرداختند. بعد از ظهر این روز تظاهراتی عظیم در شهرکرد شکل گرفت. نیروهای ژاندارمری حتی در روز ۲۲ بهمن در برابر تظاهرکنندگان آرایش نظامی گرفتند، اما نیروهای شهربانی که چند روز قبل با نصب پلاکاردهایی بر سر درب شهربانی از انقلاب کرده اعلام حمایت بودند در تظاهرات حاضر نشده و در ساختمان خود قرار داشتند.

در بیست چهارم یا بیست و پنجم بهمن ماه با بازگشت گروهانی که از حکومت نظامی ناجی فرماندار نظامی اصفهان به مناسبت تاسوعا و عاشورا به شهرکرد آمده بودند، نیروهای ژاندارمری شهرکرد هم تسلیم شدند و به انقلاب پیوستند. آنها نیز همانند نیروهای شهربانی پس از آن ظهور و بروز چندانی در شهر نداشتند و در ساختمان ژاندارمری حضور داشتند (شکرالله چراغیان، ۱۳۹۸/۵/۱۴).

خلع سلاح ژاندارمری و شهربانی

در اوایل پیروزی انقلاب نیروهای مجاهدین و کمونیست‌ها اصرار داشتند که با کمک نیروهای مذهبی شهربانی و ژاندارمری را تصرف و آنها را خلع سلاح کنند. نیروهای مذهبی و انقلابی از جمله رحمان استکی، رحمان رضوی و سیدتقی جعفریان نیز به دنبال آن بودند شهربانی و

ژاندارمری را خلع سلاح کنند و اسلحه‌ها را از آنها پس بگیرند، اما چون برنامه مشخص و سازمان‌دهی شده‌ای هم نداشتند و از طرفی هم بیم آن می‌رفت که اگر آنها را خلع سلاح کنند و اسلحه به دست گروه‌های با تفکر چپی بیفتد، چگونه می‌توانند آنها را پس بگیرند؛ از این رو رحمان استکی معتقد بود که اسلحه‌ها در همان ژاندارمری و شهربانی بمانند؛ ولی افرادی انقلابی را به آنجا بفرستیم تا از اسلحه‌ها محافظت کنند و آنها را مسئول حفاظت از اسلحه‌ها قرار دهیم (حبیب‌الله رحمتی، ۱۳/۵/۱۳۹۸).

شعارهای انقلابی در شهرکرد

از دیرباز استفاده از شعار به‌عنوان ابزاری جهت شناساندن اهداف و خواسته‌های مختلف رایج بوده است. شعارها دارای کارکردهای مختلفی از جمله ارباب دشمن، تهییج نیروهای خودی، ایجاد همبستگی و قدرت روحی، هدایت شعاردهندگان به‌سوی اهدافی خاص، تبیین ایدئولوژی و اندیشه‌های مختلف هستند. در واقع می‌توان گفت شعارها وسیله‌های مناسب برای توصیف و تبیین اوضاع و احوال اجتماعی و روان‌شناختی زمان خویش بوده و برای ارائه تحلیل‌های علمی و اوضاع اجتماعی و پژوهشی مواد خام گران‌مایه به‌شمار می‌رود (فرهنگ شعارهای انقلابی، ۱۳۷۹: ۱۹). در زیر برخی از شعارهای مردم شهرکرد که در تظاهرات سال ۱۳۵۷ سر می‌دادند، آورده می‌شود:

ما می‌گیم شاه نمی‌خواهیم، نخست‌وزیر عوض می‌شه، ما می‌گیم خر نمی‌خواهیم، پالون خر عوض می‌شه

از هاری گوساله بازم بگو نواره نوار که پا نداره.

ما بچه‌ها شعار می‌دیم / شاه بمیره نهار می‌دیم

بعد از نماز عشا / صد مرتبه مرگ بر شاه

برزگر برزگر آزادت می‌کنیم.

نصر من الله و فتح قریب

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد، حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد

خون بر شمشیر پیروز است، کارتر کارتر نابود است.

نفت را کی برد، آمریکا. گاز را کی برد، شوروی. پولشا کی خورد پهلوی. پس مرگ بر این

شاه. مرگ بر این شاه. مرگ بر این شاه. مرگ بر این شاه

چین، شوروی، آمریکا، دشمنان خلق ما

این شورای سلطنت مردود ملت ماست/ تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست

مردان حق زندان‌اند یا کشته در میدان‌اند.

شهیدان زنده‌اند الله اکبر، به خون غلتیده‌اند الله اکبر

ای شاه خائن آواره گردی، خاک وطن را ویرانه کردی، کشتی جوانان وطن، الله اکبر، کردی

هزاران تن کفن الله اکبر

یا محمد، نور امت. یاری بنما به رهبر ما، امام خمینی امام خمینی

رهبر آزادگان جهان است آیت‌الله خمینی، انقلابی ترین مرد جهان است آیت‌الله خمینی

انقلابی ترین مرد جهان است آیت‌الله خمینی، او فرستاده صاحب‌الزمان است آیت‌الله خمینی

مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین

نقش اقشار گوناگون در پیروزی انقلاب

انقلاب اسلامی با شرکت تمام اقشار مردم و همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی به پیروزی رسید. در

این انقلاب، مردم از تمام اقشار و طبقات اجتماعی از قبیل روحانیون، معلمان، دانش‌آموزان،

دانشجویان، کشاورزان، بازاریان، کارمندان، نظامیان و کارگران شرکت داشتند و همه یک صدا

با سردادن شعار «مرگ بر شاه» خواستار برکناری حکومت پهلوی و استقرار نظام جمهوری

شدند.

روحانیون

روحانیون و وعاظ با سخنرانی‌های خود نقش برجسته‌ای در وارد کردن مردم به صحنه‌های انقلابی داشتند، به طوری که حجت‌الاسلام عطاءالله احمدی نیز در جریان مبارزات انقلاب با صدور اعلامیه‌ای در آبان ماه به تشویق و تحریک مردم برای شرکت در تظاهرات پرداخت. روحانیون در ضمن سخنرانی‌های مذهبی، در قالب کنایه به مردم حرف‌های خود را بیان می‌کردند و با تشریح ظلم و بیدادگری‌های حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس آنان را با ستمگری‌های دستگاه حکومت پهلوی آگاه می‌ساختند. چنان‌که از آبان ماه ۱۳۵۷ به بعد پس از هر سخنرانی تظاهراتی در شهر برپا می‌شد.

دانش‌آموزان

دانش‌آموزان نیز محدودیت‌های رژیم و زیر پا گذاشته شدن ارزش‌های اسلامی را به خوبی درک می‌کردند، از این رو خواهان رفع این محدودیت‌ها و اجرا شدن ارزش‌های اسلامی در جامعه بودند. از یک سو برخی از دانش‌آموزان از اوایل دهه ۱۳۵۰ با شرکت در جلسات قرآن رحمان استکی یا دیگر جلسات قرآن که در شهر وجود داشت، علاوه بر آشنایی با قرآن و مسائل اعتقادی و اسلام‌شناسی کم‌کم با مسائل سیاسی و انقلابی نیز آشنا می‌شدند. از سوی دیگر، این دانش‌آموزان در مدرسه نیز تحت تأثیر سخنان معلمان مذهبی و حتی گاهی معلمان چپ‌پس خود نیز قرار گرفته و در نهایت در شهر کرد دانش‌آموزان اولین کسانی بودند که در مدارس دست به اعتراض زده و چند روز پس از اعتراض، تظاهرات خود را آغاز کردند. دانش‌آموزان با آغاز تظاهرات و با کشاندن اعتراض‌ها به خیابان‌ها در ابتدا فرهنگیان را با خود همراه کرده سعی کردند دیگر طبقات و مردم شهر را با خود همراه سازند.

در مجموع در مورد نقش دانش‌آموزان باید گفت آنها در به تعطیلی کشاندن مدارس، صدور اعلامیه، توزیع اعلامیه، همکاری آنها در برگزاری نمایشگاه کتاب و عکس، همکاری و همراهی با بازاریان در ایجاد فروشگاه‌هایی که در سطح شهر ایجاد شد و مشارکت آنها در بسته‌بندی و

فروش اقلام و ارزاق خوراکی و همچنین در برپایی نمایشگاه کتاب نیز همکاری داشتند و نمی-توان نقش آنها را در این جریان نادیده گرفت.

معلمان

معلمان شهرکردی نیز همانند سایر طبقات جامعه در قیامی که علیه حکومت پهلوی برپا شده بود، عکس‌العمل‌هایی متفاوتی نشان داده‌اند. آنها را می‌توان به معلمان همراه با ساواک، معلمان انقلابی (خواه نیروهای مذهبی و خواه نیروهای چپ) و معلمان بی‌طرف تقسیم‌بندی کرد. تعداد معلمانی که با ساواک همکاری می‌کردند کم بود. شماری از مدیران مدارس و معلمان نیز به دلیل اینکه حقوق‌بگیر دولت بودند، در این جریان سکوت کردند یا با ساواک همکاری داشتند (ابراهیم میر فروغی: ۱۳۹۸/۴/۲۰).

برخی دیگر از آنها مانند مدیران مدارس را نمی‌توان متمایل به خاندان پهلوی یا همکار ساواک به حساب آورد. آنها به دلیل اینکه کارمند دولت بوده‌اند به ناچار گزارش وقایع مدرسه را برای ساواک ارسال می‌کردند و یا حتی به گفته برخی از دانش‌آموزان دبیرستان محمدرضا شاه، مدیر مدرسه سعی می‌کرد در برنامه صبحگاه دانش‌آموزان را پند و نصیحت بدهد؛ ولی از انجام هرگونه حرکت ایذایی خودداری می‌کردند. اما گروه دیگری هم وجود داشت که سعی می‌کرد دانش-آموزان را به انحاء مختلف آگاه کرده در جریان روند انقلاب قرار دهند و مستقیم یا غیرمستقیم به سوی حرکت‌های انقلابی سوق دهند. از جمله معلمان چپ که سعی می‌کردند با در اختیار قراردادن کتاب‌های انقلابی ذهن دانش‌آموزان را به سمت مخالفت با رژیم پیش ببرند (سید تقی جعفریان: ۱۳۹۸/۴/۲۰).

دانش‌آموزان هم‌زمان با مهرماه کم‌کم از حضور در سر کلاس‌ها خودداری کرده و در این امر معلمان انقلابی نیز به آنها پیوستند و آنها را به ادامه‌دادن اعتراض‌های خود تشویق نمودند و حتی گاهی اوقات با وجود حاضر شدن دانش‌آموزان سر کلاس معلمان از رفتن به کلاس خودداری کرده و در جریان تظاهرات در کنار آنها قرار داشتند. اگرچه در شهرکرد حرکت‌های اعتراضی

و اولین تظاهرات توسط دانش‌آموزان آغاز شد، اما همین معلم‌ها بودند که دانش‌آموزان را مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل سیاسی آشنا می‌کردند و آنها را به آغاز و ادامه حرکت‌های اعتراضی تحریک می‌کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۵۲ و ۳۵۳ ضمیمه شماره ۱۱ و ۱۲). در آبان ماه معلمان نیز به نشانه اعتراض از حضور در کلاس‌ها خودداری و سعی کردند مخالفت خود را با رژیم با تشکیل «جامعه معلمان» اعلام کنند. در شهر کرد با آغاز تظاهرات توسط دانش‌آموزان و پیوستن فرهنگیان به دانش-آموزان تظاهرات فراگیر شد. کم‌کم پس از جریان ۱۳ آبان و اعلامیه حاج آقا عطاءالله احمدی سایر مردم نیز به انقلاب پیوستند (رحمان رضوی، ۱۳۹۸/۴/۱۶).

در مجموع می‌توان گفت معلمان با به تعطیلی کشاندن مدارس، صدور اعلامیه، توزیع اعلامیه، همکاری در برگزاری نمایشگاه کتاب و عکس، همکاری و همراهی با بازاریان در ایجاد فروشگاه‌هایی در سطح شهر و تشویق دانش‌آموزان برای همکاری در بسته‌بندی و فروش اقلام و ارزاق خوراکی و برپایی نمایشگاه کتاب در جریان پیروزی انقلاب نقش داشته‌اند. بدون تردید نمی‌توان نقش مؤثر فرهنگیان در این جریان و ارتباطشان با دیگر اقشار جامعه را نادیده گرفت. لازم به ذکر است بررسی اسناد و مدارک و شواهد موجود نیز نشان می‌دهد که معلمان نقش مهمی در مبارزه علیه رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند.

زنان

از جمله خانم‌های فعال در جریان تظاهرات می‌توان به اختر علوی، عزت علوی، سهیلا استکی، گل‌نسا بشکار، نسرین اعتدالپور، اشرف فضلی، زهرا عطایی، معصومه عطایی، رضوان رضوی، نسرین عبداللهیان، مریم رحمتی، نسرین هادیان و... اشاره کرد. البته بسیاری از خانواده‌ها اجازه حضور دختران خود را در روزهای اول نمی‌دادند ولی پس از فراگیر شدن تظاهرات آنان نیز در کنار دختران خود در تظاهرات شرکت می‌کردند. کم‌کم با فراگیر شدن تظاهرات، زنان نیز در تظاهرات حضور گسترده پیدا کردند. به طوری که زنان در روز ۱۶ آبان که به دعوت

حجت‌الاسلام سیدعطاءالله احمدی در شهر کرد تظاهراتی برپا شد به صورت بسیار گسترده حضور داشتند و از این تاریخ به بعد ما همچنان حضور گسترده آنها را در تظاهرات شهر کرد شاهد بودیم. نیروهای مذهبی شهر نیز با فراگیر شدن تظاهرات سعی می‌کردند برای قسمت خانم‌ها نیز انتظامات قرار داده تا مشکل خاصی برای آنها به وجود نیاید (حبیب‌الله رحمتی، ۱۳۹۸/۵/۱۳).

بازاریان

جامعه بازاریان را در جریان مبارزه با حکومت پهلوی به دو گروه می‌توان تقسیم کرد: یک گروه آنها که به صورت کاملاً فعال در مسیر مبارزه با حکومت پهلوی قرار داشتند که از جمله می‌توان به علی مراد و شاه‌مرداد عبداللهیان، علی اصغر ایمانی، مجتبی حجازی، محمد مهدوی، احمد مهدوی، اسدالله چراغیان، حیدرعلی سجادی، غلامرضا کوهی فائق اشاره کرد. آنها به دلیل زیر پا گذاشته شدن ارزش‌های مذهبی، وجود اختناق، خفقان و سرکوب شدید و نارضایتی از سیاست‌های اقتصادی رژیم به گروهی فعال در صحنه تظاهرات تبدیل شدند و گروه دیگر که یا با ساواک همکاری داشتند یا سکوت کردند.

همچنین بازاریان در تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها، دعوت روحانی به شهر و اسکان روحانیون مدعو و همچنین خارج کردن روحانی از شهر از نظر مالی کمک‌های قابل توجهی به نیروهای مذهبی و انقلابی رساندند. به علاوه همراه با نیروهای مذهبی شهر گاهی اوقات برای دعوت از روحانیون فعال و انقلابی به دیگر شهرها مسافرت می‌کردند (شکرالله چراغیان، ۱۳۹۸/۵/۱۴).

یکی از اقدامات مهم بازاریان کنترل بازار در ماه‌های پایانی انقلاب بود. با توجه به کمبود کالاهای اساسی و خوراکی مردم، آنها با دایر کردن فروشگاه‌ها و خرید کالاهای اساسی مردم سعی می‌کردند از بازار سیاه جلوگیری نمایند و به سودجویان نیز اجازه ندهند که مردم را در تنگنا و در شرایط سخت قرار بدهند. آنها همچنین سعی می‌کردند توزیع نفت را تحت کنترل

داشته باشند و حتی گروه‌هایی تشکیل شده بود که نفت را به درب منازل می‌بردند و با توجه به تعداد جمعیت خانوار نفت در اختیار آنها می‌گذاشتند و حتی به برخی از خانواده‌های بی‌بضاعت به صورت رایگان نفت می‌دادند (اسماعیل عباسیان: ۱۳۹۸/۴/۲۵).

در مجموع می‌توان گفت بازاریان به دلایل مذهبی، رابطه با روحانیون، نارضایتی از سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی و قدرت سرکوب و اختناق رژیم به طبقه فعال در صحنه تظاهرات تبدیل شدند و به تکاپوی انقلابی روی آوردند. آنان توانستند با تعطیلی منظم بازار نقش مؤثری در تداوم تظاهرات ایفا کنند و از نظر مالی نیز کمک‌های مؤثری در تکثیر و چاپ اعلامیه‌ها انجام دادند.

نتیجه‌گیری

با بررسی سیر حوادث انقلاب در شهرکرد می‌توان گفت:

۱. حضور افراد فعال مذهبی چون رحمان استکی، سید تقی جعفریان، در شهرکرد، مسافرت تعدادی از آنها به قم و فعالیت‌های تبلیغی روحانیون متعهد به این شهر باعث شد شماری از مردم از اواسط دهه ۱۳۴۰ با آیت‌الله خمینی و جریان نهضت اسلامی آشنا شوند.

۲. انتقال عقاید انقلابی در شهرکرد عمدتاً از طریق روحانیون بومی و غیربومی و برخی از نیروهای فعال مذهبی در شهر صورت می‌گرفت.

۳. افراد فعال مذهبی با ارائه آگاهی‌های فرهنگی و روحانیون مدعو با سخنرانی و تبلیغ آموزه‌های غنی اسلام در روشنگری و متعاقب آن ابراز مخالفت مردم بر ضد رژیم پهلوی نقش مؤثری داشتند.

۴. روند حوادث بر شهرکرد نشان می‌دهد که مردم این شهر علاوه بر نارضایتی منطقه‌ای، تحت تأثیر جریان و حوادثی قرار داشتند که در دیگر شهرها اتفاق می‌افتاد و به سیل عظیم انقلاب پیوستند.

۵. بررسی فرایند انقلاب در شهرکرد نشان می‌دهد انقلاب اسلامی با حرکت و همکاری کلیه طبقات اجتماعی اعم از روحانی و بازاری، کشاورز و کارگر و معلم و دانش‌آموز و کارمندان به پیروزی رسید و به تمام معنی یک انقلاب مردمی بود.

کتابنامه

الف) اسناد

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ روزشمار چهارم‌محال و بختیاری، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۸.

ب) کتاب

- افلاکی سورشجانی، رضا، جغرافیای استان چهارم‌محال و بختیاری، شهرکرد: مرید، ۱۳۸۰.
- بنی طالبی، احمد، مقدمه‌ای بر شناخت شهرکرد، ج ۱، تهران: آزاد مهر، ۱۳۹۰.
- خمینی، روح‌الله، صحیفه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۹، چ ۳.
- رفیعی وردنجانی، مریم، انقلاب اسلامی در بروجن، بروجن: افضل، ۱۳۹۳.
- عسگری سوادجانی بهمن، حیدر صادقی، شاهین ایل‌بیگی، حمیدرضا معین فارسانی و طاهره ابراهیمی، سیمای فرهنگ و طبیعت استان چهارم‌محال و بختیاری، تهران: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۹۴.
- فتاحی، قاسم، ظفریان ریگکی، داراب، تاریخ انقلاب اسلامی در چهارم‌محال و بختیاری، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۸.
- فرهنگ شعارهای انقلابی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله، تهران: رسا، ۱۳۹۰.
- نجاری‌راد، تقی، ساواک و نقش آنان در تحولات داخلی رژیم شاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

نیک‌زاد امیر حسینی، کریم، شناخت سرزمین چهارمحال، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

ج) مصاحبه

لطف‌الله داوودی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۱۳.

اسدالله چراغیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۷/۲.

جهانگیر خبازیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۱۷.

شکرالله چراغیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۴.

نورالله حیدریان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۲۴.

سید تقی جعفریان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۰۱.

شکرالله چراغیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۴.

ابراهیم میر فروغی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۲۰.

نسرین هادیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۰۶.

معصومه عطایی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۰۶.

محمد رضا ملکوتی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۰۵.

سید رحمان رضوی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۱۶.

محمد تقی کوهی فائق، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۲۶.

رضوان رضوی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۹.

اشرف فضلی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۳۰.

محمد دانش، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۲۴.

علی کریمیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۰۶.

حبیب‌الله رحمتی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۳.

نسرین عبدالهیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۹/۰۶.

احمد جهان‌پور، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۵.

اسفندیار کاوه، اصفهان، ۱۳۹۸/۰۵/۲۱.

۱۴۸ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

منصور قاسمی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۰۲

مسعود نادری، فرخ شهر، ۱۳۹۸/۰۴/۲۲


مهندس رضا بنی طالبی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۴/۱۸



ضمایم

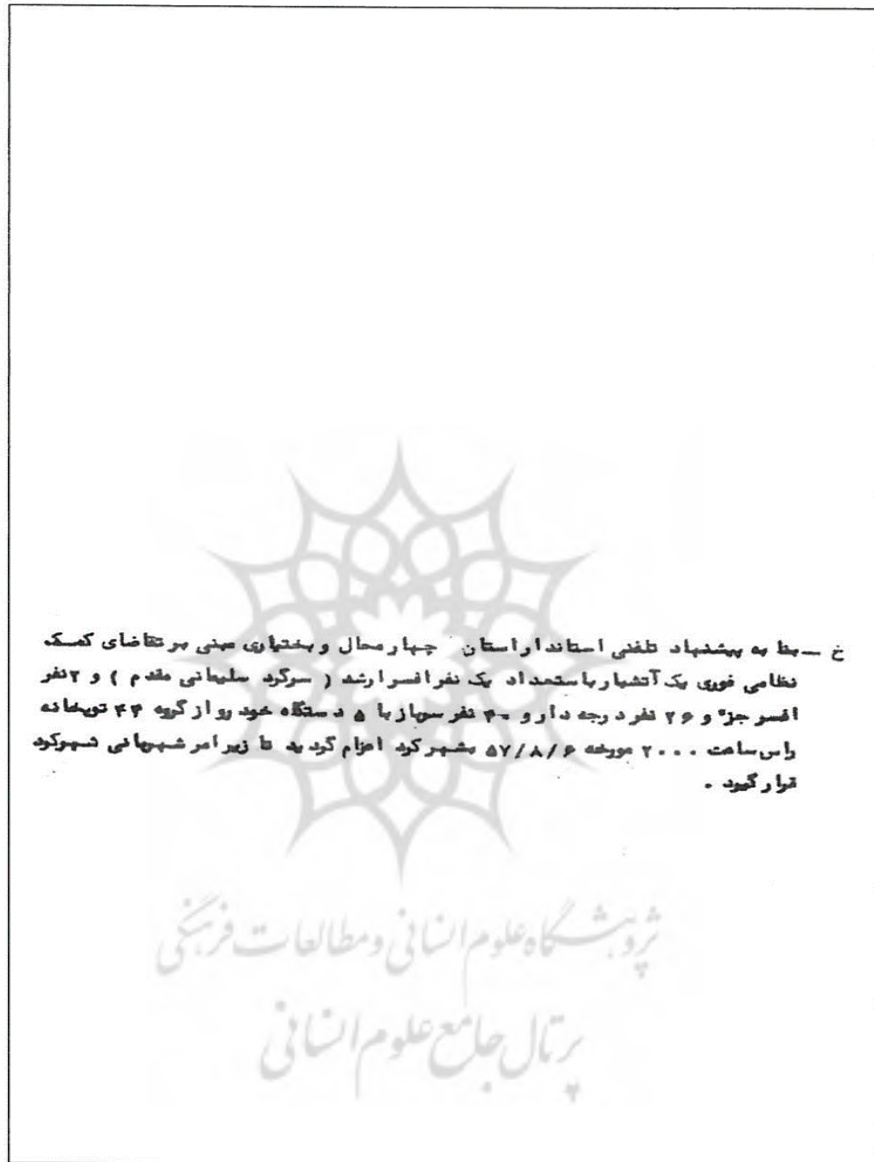
ضمیمه شماره ۱



طبقه بندی حفاظتی	درجه فوریت
برگه خیر	انتخابی محرمانه
۶- تاریخ وقوع:	صفحه شماره: از: صفحه
۷- ملاحظات حفاظتی:	نسخه شماره: از: نسخه
۸- گیرندگان:	۱- به: ریاست محترم سازمان اسناد و امنیت استان چهارمحال و بختیاری
	۲- از: شهرداری استان چهارمحال و بختیاری
	۳- شماره: ۵۷۸۸۹
	۴- تاریخ: ۵۷/۳/۱۴
	۵- پست:
صفت / پیرو:	موضوع:
ساعت ۱۰۰۰ روز ۱۳/۶/۲۵۳۲۷۶/۶۰۰ نفر که جهت برگزاری نماز عید فطر در حسینیه اعظم اجتماع کرده بودند. ضمن دادن شمار درود بر خمینی از حسینیه جاری و ضمن اینکه مأمورین شهرداری با آمادگی کامل مراتب اوضاع به اطلاع مقامات ذیصلاح رسیدند. هرگونه اتفافی متفرق گردیدند.	
	
۵۷/۳/۱۴	
۵۷/۳/۱۴	
۵۷/۳/۱۴	
ارزیابی خیر: خیر سلامت دارد.	
نظریه:	
طبقه بندی حفاظتی	

- بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
- انتار در روز سه روزان پلک شهدان راه آزادی
- استندار محکم جهان حال و بختاری، ضمن تأیید خواسته های دیگر برادران دانش آموز، خواسته های زیر را که قسماً و قسماً مورد تصامی دانش آموزان و نیز انامیکه است، بر می شمردیم:
- ۱- تکمیل انجمن دانش آموزان با حفظ آزادی بیان و آزادی انتشار نشریات
 - ۲- اخلال سوادکده عدم دخالت گمارگان آن در آموزشگاهها (در هر هیئت و هیئتی)
 - ۳- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۴- مجازات سبب کشتارهای اخیر ایران
 - ۵- برپیدن هر چه زودتر باط حکومت نظامی از شهرهای کشور
 - ۶- عدم بدتری دانش آموزانی که در نظامهاست اخیر شرکت داشته اند
 - ۷- ایجاد تشکیلات لازم برای دانش آموزان روستایی که سولس لیب و زاب یا خوابگاه
 - ۸- اعلام عدم اعتماد دانش آموزان نسبت به نماینده شهر کرد (لطفاً... نشستی)
 - ۹- ایجاد کارگاههای صنعتی و حرفه ای عمومی در سطح استان
 - ۱۰- ایجاد دانشگاه عالی و راهنمایی در استان
 - ۱۱- تحقیق در مورد وضع مالی دانش آموزان و کمک مالی به آنان
 - ۱۲- تکمیل کلوب مذهبی و آزادی اجرای برنامه های اسلامی در دبیرستان
 - ۱۳- پرداخت کمک هزینه به دبیرستان، جهت خرید سولس مخصوص برای گروه های کوهنوردی
 - ۱۴- برکناری مدیران و مسئولان غیرمسلمان از سازمانهای اداری و آموزشی
 - ۱۵- تشکیل کلاسهای تقویمی در شبانه رایگان در سطح مختلف
 - ۱۶- رسیدگی به وضع کارکنان جزء اعم از خدمتگزاران و غیره
 - ۱۷- برکناری افراد فاسد از اداره آموزش تربیتی
 - ۱۸- احترام به سنن اسلامی دانش آموزان و کارمندان و غیره (مخصوصاً عجم اسلامی دفتران و زبانها)
 - ۱۹- بسته شدن مراکز فساد در شهر (مشهور و ناشی و غیره) در پیگیری از نامش فیلیمهای مبتذل
- » دانش آموزان دبیرستان امیرکبیر شهر کرد «

طبقه بندی حفاظتی		درجه فوریت
گزارش خبر		
۷ - منبع	۱۴۶۴۸	صفحه یکم از ... صفحه
۸ - منشأ	سند و اسناد	نسخه شماره ... از ... نسخه
۹ - تاریخ وقوع	احیاء	۱ - ۳۲۴
۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع	۰۰	۲ - از ...
۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عملیات	۰۰	۳ - شماره گزارش ۵۷/۷/۲۵۲
محل	۵۷/۷/۱۷	۴ - تاریخ گزارش ۵۷/۷/۱۸
۱۲ - ملاحظات حفاظتی		۵ - پیوست
جهت استحضار و حصول نتیجه		۶ - گیرندگان خبر
مخالف		
موضوع		
اصحاب درد ادگستری شهپرکرد و		
بیر		
بروجن		
<p>از تاریخ ۵۷/۷/۱۷ کارکنان و قضاات درد ادگستری شهپرکرد بروجن اصحاب نخست خود را شروع و از قبول و انجام هرگونه وظیفه ای خودداری نمودند ضحاً یاد شدگان سعی دارند که به قلمنات مسئول چنین عنوان نمایند که تنها کارمند این اداره اصحاب نموده و قضاات بکار مسئول هستند ولی در عمل نمایان رونی عمل نموده و قضاات نیز دست از کار کشید فاند از طریق یاد شدگان خواست جای د فکانه را که مشروحا ۳ بنسناد مکرر در وزارت درد ادگستری ارسال و تماسهایی نیز با وزیر وقت و وزیر بهمنه رسیدگی به خواست چارشان گرفتند . اصحاب یاد شدگان در روز اول بدون سروصد ابوده و چیزی چند نفری از آنان بقیه همچگونه همکاری را با سایر تظا هرکنندگان شهپرکرد نمودند .</p> <p>نظریه شنبه خبر صحت دارد .</p> <p>نظریه یکشنبه طاد خبر مورد تأیید است ۲ - بکیرگ فتوکی تقاضاهای - یاد شدگان جهت آگاهی به پیوست تقدیم مکرر در ...</p> <p>نظریه چهارشنبه - نظریه یکشنبه مورد تأیید است .</p>		
طبقه بندی حفاظتی		۵۲-۱۳۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « راه پیمائی بزرگ »

اکنون که بنظر مبارک رهبر خویش می‌دندهبی ما حضرت امام خمینی مبارز است بی‌باکه
 ملت مسلمان ایران به لحاظ اوج و بلرز پیروزی گیتی رسیده است لازم و وجوب است که با همت و تلاش
 فشرده و گسترده تر همه طبقات محروم و ستمدیده عرصه را بر استبداد دستم حاکم برکت گت ترک کرده و نهضت بزرگ
 اسلامی را بگشاییم امروز نه تنها ما با رژیم طاغوتی و عوامل مزدور او در برگیریم بلکه مستقیماً با نیروهای امریکائی
 و انگلیسی و اسرائیلی و حمایت شوروی و چین دشمنان ملت ما و غارتگران منابع ثروت و هستی ما مواجه
 هستیم در این میان تنها با اتکا به نیروی الله و اراده فولادین و قدرت فشرده ملت رنجبری
 ابر مرد تاریخ معاصر و دارش حسین علی سلام حضرت امام خمینی می‌توانیم رژیم حاکم و پیمان
 جهان خواه و ضد بشری او را برانزور آوریم با کمال تأیید یکبار دیگر سبیل خون بزرگ ایران انهم
 در یکی از مقدس ترین محیط های اسلامی و اجتماعی مایکتی دانشگاه مرکز نوزدای روشن و نیروی
 فشرده ملت جاری شد گروهی از جوانان مبارزان ما به خاک خون گشیده شده و بسیاری شهید و مجروح
 گردیده اند با اتفاق کلیه طبقات شریف و غیرتمند شهر و سایر ایله چهارمچال با زبان کوفتگی
 دانش آموزان همیشه در ان کارگران و کارکنان ادارت دست از کار کشیده و بار دیگر برای ابراز
 همبستگی و شکل بیشتر با تمام ملت ایران و حوزه مایلی اسلامی یعنی دانشگاهی و کورای همه تومین روز
 شده و دانشگاه تهران و سایر نهرستانها در ساعت ۱۲ صبح سه شنبه ۱۴ آبان ۵۷ در سجد
 و صاحب الزمان جنب تمام ۲۰ رشی اجتماع کرده و پس از شنیدن تریب لازم چه یک
 راه پیمائی منظم و با کتبه در تمام نهرت ایستادم خود رسم کرد و لا حول و لا قوة الا بالله
 الله استعظ الله

ردیف	موضوع	صفحه
۱	موضوع: هنر جوانان استخر و کلوژی شهر کرد <td>۲۲۴</td>	۲۲۴
۲	موضوع: ایرج مرتضوی و ویلانی و ایوب اسکندری فارسانی، اله دار - نادری فراد نیه، فرهادعلی و ویلانی، فلا مرصاطهماسی اردلی و کیانوش - مرادقی کاجی باشکستن تنخال و آغوش زدن آنها با عده و دیگری منجبطسه یوسف بهرامی فارسانی و انوشیروان ظفری جلوری و ویلانی (محمد همتی اردلی، ضوچه میرزائی و هنوی (کیار) شروع بخواندن اشعاری به شمار شرم آور زنده در مورد شاهنشاهی و سپهانی بودند که مورد اعتراض آهنگرها و مستخدمین قرار گرفتند بطوریکه فردای آنروز بر غور و یبین آنان به توفع - پیوست.	۲۲۶
۳	موضوع: ایرج مرتضوی و ویلانی و ایوب اسکندری فارسانی، اله دار - نادری فراد نیه، فرهادعلی و ویلانی، فلا مرصاطهماسی اردلی و کیانوش - مرادقی کاجی باشکستن تنخال و آغوش زدن آنها با عده و دیگری منجبطسه یوسف بهرامی فارسانی و انوشیروان ظفری جلوری و ویلانی (محمد همتی اردلی، ضوچه میرزائی و هنوی (کیار) شروع بخواندن اشعاری به شمار شرم آور زنده در مورد شاهنشاهی و سپهانی بودند که مورد اعتراض آهنگرها و مستخدمین قرار گرفتند بطوریکه فردای آنروز بر غور و یبین آنان به توفع - پیوست.	۲۲۶
۴	موضوع: ایرج مرتضوی و ویلانی و ایوب اسکندری فارسانی، اله دار - نادری فراد نیه، فرهادعلی و ویلانی، فلا مرصاطهماسی اردلی و کیانوش - مرادقی کاجی باشکستن تنخال و آغوش زدن آنها با عده و دیگری منجبطسه یوسف بهرامی فارسانی و انوشیروان ظفری جلوری و ویلانی (محمد همتی اردلی، ضوچه میرزائی و هنوی (کیار) شروع بخواندن اشعاری به شمار شرم آور زنده در مورد شاهنشاهی و سپهانی بودند که مورد اعتراض آهنگرها و مستخدمین قرار گرفتند بطوریکه فردای آنروز بر غور و یبین آنان به توفع - پیوست.	۲۲۶
۵	موضوع: ایرج مرتضوی و ویلانی و ایوب اسکندری فارسانی، اله دار - نادری فراد نیه، فرهادعلی و ویلانی، فلا مرصاطهماسی اردلی و کیانوش - مرادقی کاجی باشکستن تنخال و آغوش زدن آنها با عده و دیگری منجبطسه یوسف بهرامی فارسانی و انوشیروان ظفری جلوری و ویلانی (محمد همتی اردلی، ضوچه میرزائی و هنوی (کیار) شروع بخواندن اشعاری به شمار شرم آور زنده در مورد شاهنشاهی و سپهانی بودند که مورد اعتراض آهنگرها و مستخدمین قرار گرفتند بطوریکه فردای آنروز بر غور و یبین آنان به توفع - پیوست.	۲۲۶
۶	موضوع: ایرج مرتضوی و ویلانی و ایوب اسکندری فارسانی، اله دار - نادری فراد نیه، فرهادعلی و ویلانی، فلا مرصاطهماسی اردلی و کیانوش - مرادقی کاجی باشکستن تنخال و آغوش زدن آنها با عده و دیگری منجبطسه یوسف بهرامی فارسانی و انوشیروان ظفری جلوری و ویلانی (محمد همتی اردلی، ضوچه میرزائی و هنوی (کیار) شروع بخواندن اشعاری به شمار شرم آور زنده در مورد شاهنشاهی و سپهانی بودند که مورد اعتراض آهنگرها و مستخدمین قرار گرفتند بطوریکه فردای آنروز بر غور و یبین آنان به توفع - پیوست.	۲۲۶

ضم

یمه

جمهوری اسلامی ایران							
دفتر اسنادی حفاظتی							
گزارش خبر							
۲ - منبع ۱۴۱۴۸	مدته بکار از صفحه						
۸ - منشأ صدمات طبیح	شماره از پنج نسخه						
۹ - تاریخ وقوع اخصسرا ۴۴۲						
۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع ۱۹۰						
۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنی عملیات ۱۹/۷۵۰۹۰						
..... محل ۵۷/۸/۲۹ ۵۷/۹/۴						
..... ۱۲ - ملاحظات حفاظتی ۳۱۴						
.....						
.....						
عطف ببر اعضایات موضوع						
<p>در تاریخ ۵۷/۸/۲۹ شخصی ناشناس از تهران بشهرکرد وارد و سرانجام با چند نفر از کارمندان دادگستری مدجمله مین العاصماری فرزند احمد اله و کاظم صمیمی فرزند عباس آن را در هوش به اعدام نمود که با شدگان نیز بر سران یکسری بحث رمز اکره تصمیم گرفتند که کلیه کارکنان اداری این دادگستری رسماً از تاریخ ۵۷/۹/۱ اعدام نمایند. نامبردگان سپس ضمن تشکیل یک سری اعلامیه و سرود های ضد ملی به خواسته های سابق خود نیز سه اصل اضافه کردند این سه اصل عبارتست از:</p> <p>۱- انحلال سازمان امنیت</p> <p>۲- انحلال دولت نظامی</p> <p>۳- آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی</p> <p>نظریه شنبه خبر صحت دارد.</p> <p>نظریه یکشنبه - خبر مورد تأیید است.</p> <p>نظریه چهارشنبه - نظریه یکشنبه مورد تأیید است.</p>							
۱۴۲	<table border="1" style="margin-left: auto; margin-right: auto;"> <tr> <td>در ساعت</td> <td>روز</td> <td>سال</td> </tr> <tr> <td>به پیشان</td> <td>داصل</td> <td>گردید</td> </tr> </table> <p style="text-align: center;">..... منطقه بندی حفاظتی</p>	در ساعت	روز	سال	به پیشان	داصل	گردید
در ساعت	روز	سال					
به پیشان	داصل	گردید					

خیابان بندگی حافظی مورایش خیر

درجه موریت

<p>۲ - منبع: ضد اطلاعات ژانده آزیری</p> <p>۸ - منشأ: ما موران مروهه شهر کرد</p> <p>۹ - تاریخ وقوع: اخیراً</p> <p>۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع:</p> <p>۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عملیات:</p> <p>محل: اخیراً</p> <p>۱۲ - ملاحظات حفاظتی:</p>	<p>صفحه یکم از صفحه</p> <p>نسخه شماره: ۹ - از پنج نسخه</p> <p>۱ - ۲۲۴</p> <p>۲ - از ۲۱۶</p> <p>۳ - شماره گزارش: ۱۹/۱۰۰۲۳ هـ</p> <p>۴ - تاریخ گزارش: ۵۲/۲/۲۵</p> <p>۵ - پیوست:</p> <p>۶ - گیرندگان خبر: ۳۱۴</p>
--	--

عطف
بیرد

غیرقانونی - خانم آشتیانی

خانم آشتیانی دبیر دبیرستان دخترانه نوربخش از بدتی قبل ضمن تدریس در کلاسهای دروس مطالعات حرکت آمیزی برای محصلین بهمان داشته و ضمن بدگویی از ک ۶۶ کوشش مینماید که ذهن دانش آموزان را نسبت به رژیم شاهنشاهی منحرف و آتینار از اوضاع مطبکت ناراضی کند تا صبرده از وجود یکی از محصلین کلاس دوم اقتصاد دبیرستان نوربخش بنام صهناز مرفیان که یکی از دختران ناراضی استواری تلفنات سوژه مسود در زمین سایر دختران استفاده مینماید .

نظریه شنیده غیرقابل تحقیق و بررسی است .

نظریه یکشنبه ۱۳۶۸م بهجت آشتیانی که در روزهای اخیر انتقاداتی از وضع مطبکت به طرفداری از خمینی نموده در ۱۶ فائده سابقه میباشد لکن دلائلی که ادال بر بدگویی از ک ۶۶ نموده باشد بدست نیامد .

مشخصاً حکایت وی پس از روشن شدن وضع کلی اوضاعاً با استعمار مبرمستجواب صهناز مرفیان که با انتشارت هاتانی مکاتبه دانستدر ۳۱۴ موجود است . نظریه یکشنبه مورد تأیید است .

رئیس است. اطلاعات

رجوعی

۳۲-۱۴۱

خیابان خاتم‌المؤمنین

۲ - منبع: **خبر اطلاعات زاهد از برای**

۸ - منشأ: **ماه خوزان سرخوشه شهر کرد**

۹ - تاریخ وقوع: **اکتبر ۱۳۳۰**

۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع: **.....**

۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عملیات: **.....**

۱۲ - ملاحظات حفاظتی: **.....**

صفحه یکم از صفحه

نسخه شماره از **پنج** نسخه

۱ - شماره **۲۲۴**

۲ - از **۲۲۴**

۳ - شماره گزارش: **۱۹۱/۱۰۰۶۳ هـ**

۴ - تاریخ گزارش: **۵۷/۲/۲۵**

۵ - پیوست: **.....**

۶ - گیرندگان خبر: **۳۱۴**

موضوع: **خبر نظامی - خانم آشتیانی**

عطف: **بهره**

خانم آشتیانی در بیرد بهرستان در خترانه نوربخش از مدت قبل ضمن تدریس در کلاسهای دروس مطالعات تحریک آمیزی برای محصلین بهمان داشته و ضمن بدگویی از ک ۶۶ کوشش مینماید که ذهن دانش آموزان را نسبت به رژیم شاهنشاهی منحرف و آتینار از اوضاع ملکت ناراضی کند تا صبرده از وجود یکی از محصلین کلاس دوم اقتصاد در بهرستان نوربخش بنام مهناز مشرفیان که یکی از دختران ناراضی است برای تبلیغات سوء عبود در زمین سایر دختران استفاده مینماید .

نشریه شنبه خبر قابل تحقیق و بررسی است.

نشریه یکشنبه اخبارم بهجت آشتیانی که در روزهای اخیر انتقاداتی از وضع ملکت به طرفداری از کمیتی نموده در ۱۶ هـ فایده سابقه میباشد لکن دلائلی که ادال به بدگویی از ک ۶۶ نموده باشد بدست نیامده - -

منحصراً عکامل وی پس از روشن شدن وضع کلی اوضاعاً با استحضار مبررست به سابق مهناز مشرفیان که با مشارکت هاتانی مکاتبه داشته در ۲۱۲ مورود است .

نشریه چهارشنبه - نشریه یکشنبه مورود تأیید است.

رئیس انست: **.....**

رجوع به: **.....**

۳۲-۱۳۱